۱۷ اسفند (۸ مارس)
روز جهانی زن گرامی باد.

کار

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۱۰۰ | پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ | ۲۰ صفحه ۳۰ ریال

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه کار

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه "کار" ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یک نقطه عطف در روند مبارزاتی سازمان محسوب میشود. با انتشار شماره ۱۰۰ دو سال از انتشار "کار" گذشت. اکنون که در آستانه سومین سال آغاز فعالیت نشریه قرار داریم لازم است که مختصرا تاریخچه و چگونگی انتشار "کار" نقاط ضعف و مثبت آن، نقشی را که تا کنون در سطح جنبش ایفا کرده است، و آنچه که طی دو سال گذشته در مبارزه میان دو خط مشی انقلابی و اپورتونیستی بر "کار" گذشت تشریح کنیم، تا جنبه های دیگری از مبارزه میان دو خط مشی برخوانندگان نشریه روشن گردد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که با مبارزه پیگیر خود در دوران رژیم شاه، خود را بتوده ها معرفی کرده بود، و با شرکت فعال در قیامها توده ها، بیش از پیش در میان آنها محبوبیت یافته بود، بعنوان تنها سازمان کمونیستی نیرومند از قیام سر فراز بیرون آمد. هنوز روزهای پرجوش و خروش قیام بود که تعدادزیادی از عناصر آگاه و توده های مردم بسوی سازمان روی می آوردند. وظایف نوین و دشوار رو در روی سازمان قرار گرفته بود. مسئله سازماندهی تبلیغ و ترویج توده ای بویژه با توجه به کمبودها در های ورزیده، دشوارترین مسئله ای بود که سازمان با آن روبرو بود. هیچ وسیله ای جز یک نشریه سراسری هر چند با محدودیتها، کمبودها و نقاط ضعف فراوان نمیتوانست، از عهده این وظایف دشوار برآید. بنابراین ضرورت انتشار یک نشریه سراسری در دستور کار قرار گرفت. هیئت تحریریه کار که هسته اولیه آنرا سه رفیق تشکیل میدادند، علیرغم مخالفتهائی که از سوی پاره ای افراد که اکنون در راس اپورتونیستها قرار دارند، صورت میگرفت، مصرا بر مسئله انتشار نشریه سراسری تاکید داشت و بالاخره اولین شماره "کار" در ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ منتشر شد.

بقیه در صفحه ۲

نگاهی به اوضاع سیاسی و حرکت اخیر لیبرالها

مدتهاست دهه مسئله جنگ، به عمده ترین مساله حاکمیت تبدیل شده است. بیشترین نیروی دولت (هزینه های سرسام آور نظامی، تدارکاتی، تبلیغاتی نیروی انسانی و غیره) در این جهت صرف شده و میشود، در حالیکه موازنه قوا همچنان به نفع ارتش عراق بوده و کوچکترین نشانه ای هم از تغییر آن بچشم نمی خورد. تا چندی پیش، مساله گروگانها "نیز در کنار مساله جنگ قرار داشت قبل از آزادی گروگانها، حزب جمهوری اسلامی که به قدرت مسلط دولتی تبدیل شده بود فکر میکرد که با آزاد کردن گروگانهای آمریکائی، از یکسو میتواند در انتخابات ریاست جمهوری

بقیه در صفحه ۲

سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری اسلامی در مسئله آزادی جاسوسان آمریکائی ۱

درماجرای آزادی جاسوسان آمریکائی در حالی که دولت رجائی در نهایت سازشکاری در برابر امپریالیسم آمریکا کمر خم میکرد، به همه شگردهای تبلیغات عوامفریبانه متوسل شد تا روش تسلیم طلبانه دولت جمهوری اسلامی و عقب نشینی های مستمر و حقارت بار دولت در برابر امپریالیسم آمریکا را بعنوان اقدامات کاملا انقلابی و ضد امپریالیست به مردم

بقیه در صفحه ۱۷

رجائی باز هم زحمتکشان را به صبر انقلابی دعوت کرد!

صفحه ۱۴

جیره بندی ارتجاعی بسود سرمایه داران علیه زحمتکشان

صفحه ۱۵

★ ویژه نامه روز جهانی زن روز ۱۷ اسفند منتشر میشود

توضیح

بعلت اشکالاتی که در نحوه پخش و توزیع نشریه کار پدید آمده بود و نشریه نمیتوانست بموقع در اختیار رفقای هوادار قرار گیرد، از شماره آینده "کار" هر هفته روز چهارشنبه منتشر خواهد شد.

در این شماره:

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- از اعلامیه ها... کارگران پیشرو
- از میان نامه های کارگران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه [redacted]

در میان اعضاء هیئت تحریریه حتی یکنفر ازکسانی که امروز بنام اکثریت های جناح راست معروف هستند وجود نداشت ومسئولیت انتشار نشریه اساسا برعهده' رفقای ما ویکی ازرفقای جناح چپ اکثریت قرار داشت .

سرمقاله اولین شماره "کار" که توسط رفقای اقلیت نوشته شد ،خطوط کلی،جهت ،نقش ووظیفه نشریه را بعنوان یک مبلغ ،مروج وسازمانده جمعی توضیح میداد .درسرمقاله با توجه به تجربیات جنبش کمونیستی جهانی و رهنمودهای لنین کبیر برنقش افشا - گریهای سیاسی که بحق میتوان نشریه "کار" را دراین زمینه نمونه وموفق دانست تاکیدشده ونوشته شده بود که "خلاصه باید کار افشاگریهای سیاسی را دنبال کرده این نشریه سعی دارد مسائل روز را با کارگران وهمه زحمتکشان درمیان بگذارد .زورگوئی سرمایه داران استثمارگر وما مورحفاظت کارخانه را افشا کنند" .

درسرمقاله برنقش دوران ساز طبقه کارگر ووظیفه ای که نشریه باید در زمینه تشکل وآگاهی این طبقه ایفاء کند تاکیدشده بود وازهمان آغاز خط و مرز میان خط مشی انقلابی درزمینه نقش ورسالت طبقه کارگر ،در برابر جناح اپورتونیستی که درحال شکل گیری بود ،با این جملات ترسیم شده بود "طبقه کارگرکه انقلابی ترین ومترقی ترین طبقه است ،تنها نیروئی است که میتواند درجهت منافع خلق مبارزه را بدون عقب گرد ،بدون سازش وقاطعیت هرچه تمامتر پیش برد وخلق را تا پیروزی نهائی رهبری کند ."نشریه کار که ازهمان آغاز نماینده خط ومشی انقلابی سازمان دربرخورد به مسائل اساسی ازجمله حاکمیت بود وبرابر فرصت طلبان کمیته مرکزی "که چکیده سازشکاری شان ، درنامه سرگشاده به بازرگان متجلی شد ، درهمان اولین شماره درسرمقاله چنین برخورد کرد .

"رفقای کارگر! هرچندکه تا بحال خلق ما درمبارزات خود به پیروزیهائی دست یافته ورژیم سلطنتی را سرنگون کرده است ،اما هنوزخیلی چیزها دست نخورده باقی مانده است .ارتش ضد خلقی هنوزکاملا ازبین نرفته وسرمایه داران خارجی همچنان کنترل اقتصادی کشوررا دردست دارند .کارفرما همان کارفرمای قبلی است ،یعنی همان سرمایه دارانی که شریک سرمایه داران خارجی هستند .استثمار هنوزهم ادامه دارد .شوراهای کارگری وارتش خلقی هنوزبوجودنیامده است .سندیکا های فرمایشی وقوانین ضدکارگری تغییری نکرده وسیستم پلیسی همچنان برکارخانه ها حکمفرماست وصدها نمونه دیگر ، بهرحال نشریه منتشر شدودراندک زمانی توانست جای خود را درمیان توده ها بازکند .افشاگریهای "کار" زبانزدهمه شد . ایده های تبلیغی آن وسیعا بمیان توده ها رفت تشکیلات وسیع سراسری اساسا با تکیه "کار" ورهنمودهای آن بعنوان یک سازمانده صورت گرفت .کارگران از "کار" استقبال کردند .مسائل خودرا با کار درمیان گذاشتند .اخبار و گزارشهای کارخانه ها را مرتب برای نشریه فرستادند ،بنحوی که اخبار و گزارشهای کارگری "کار" درایران کم نظیر بود ."کار" نقش خودرا بعنوان نشریه ای که وظائف آن درسرمقاله اولین شماره تعیین شده بود ،باز مییافت .لزوم تقویت هیئت تحریریه بیش ازپیش احساس میشد .رفقای جدیدی به هیئت تحریریه پیوسته وبا گذشت هرروز اختلاف مواضع "کمیته مرکزی" وهیئت تحریریه "کار" بیشتر میشد .اتوریته ای که "کار" درسطح جنبش بدست آورده بود واختلاف مواضع آن با مواضع اپورتونیستی دردل سازشکاران "کمیته مرکزی" هراس

بقیه از صفحه ۱

انداخته بود .اما آنها هنوزناتوانتر ازآن بودند که بتوانند هیئت تحریریه "کار" راکنار بگذارند ومواضع تسلیم طلبانه وسازشکارانه خودرا تبلیغ کنند .بنابراین یک برنامه توطئه - گرانه گام بگام برای تصفیه رفقای هیئت تحریریه وقبضه "کار" توسط "کمیته مرکزی" بمرحله اجرادرآمد ابتدا چندنفررا ببهانه تقویت نشریه به هیئت تحریریه فرستادند .اما هنوز موقعیت اپورتونیسم درسطح تشکیلات، درآن حدنبود که بتوانند ازاین طریق نظرات اپورتونیستی خودرا صریحا طرح کنندو پیش برد .بمرورزمان با تشدید اختلافات درونی سازمان ،نیروهای تشکیلات حول دومحور "هیئت تحریریه کار" و"کمیته مرکزی" بمبارزه علیه یکدیگربرخاستند ."کمیته مرکزی" که اهرمهای تشکیلاتی را دراختیار داشت، وطی یک پروسه موقعیت خودرا دردرون تشکیلات مستحکم کرده وافرادمورد اعتمادخودرا دررده های بالای تشکیلات قرارداده بود، مرحله دیگرطرح توطئه - گرانه خودرا باجرا درآورد وبرخی از رفقای هیئت تحریریه را به بهانه های مختلف به بخشهای دیگر تشکیلات منتقل کرد وسرانجام با براه انداختن یک نمایشنامه مضحک بنام پلنوم ،نشریه را اساسا دراختیار خودگرفت وجز چند تن ازرفقای هیئت تحریریه کار که بعلت تجربه آنها درزمینه مسائل و تحلیلهای کارگری ودهقانی درهیئت تحریریه جدید باقی ماندند ،بقیه رفقا کنارگذاشته شدند .اپورتونیستها تسلط خودرا برارگان سازمان با انتشار کار ۳۵ اعلام کردند .اما رفقائی که درهیئت تحریریه باقی مانده بودند همچنان با اپورتونیستها بمبارزه پرداخته واین درست درشرایطی بود که دوخط متضاد درنشریه دیده میشد وهمه ازدوخط مشی در "کار" صحبت میکردند، اما "کار" نشریه ای که درآغاز قول داده بود ازخط مشی انقلابی پیروی کند ،درخدمت تشکل وآگاهی کارگران و امر مبارزه انقلابی توده ها باشد و بهمین علت درمیان توده ها ازاعتبار ویژه ای برخوردار بود ،نمیتوانست بعنوان وسیله ای برای تحمیق توده ها درخدمت سرمایه داران وتمامی ضد انقلابیون قرارگیرد ودردست اپورتونیست ها باقی بماند ."کمیته مرکزی" خیانتکار وسازشکار آخرین وداع خودرا با انقلاب طبقه کارگر ،مارکسیسم - لنینیسم و"کار" انقلابی درشماره ۵۹ به عنوان اعلام کردودرشماره ۶۱ "کار" انقلابی دوباره متولدشد .همراه با جدائی نهائی دوخط مشی اساسا متضاد باقیمانده رفقای اقلیت درهیئت تحریریه باتفاق رفقای دیگر "کار" را با کیفیتی نوین درجهت وظائف انقلابی آن منتشر کردند .اما "کمیته مرکزی" که تصور میکند ، با نام سازمان وارگان سازمان میتوانند ،برخیانت خود نسبت به طبقه کارگر وجنبش خلق سرپوش بگذارد ،وهمچنانکه درمذاکرات نشان به بهشتی قول داده بودند با سوء استفاده از نام ومبارزه سازمان حیثیت آن را لکه دارکنند یک شناسنامه بنام "کار" اکثریتی ها منتشرکردندکه درآن چیزی جزتبلیغ سازش طبقاتی ،فراخواندن کارگران به تولید بیشتر برای سرمایه داران ،پشتیبانی وحمایت از ارتش وپاسداران ضدخلقی ،حمایت از سرکوب توده ها ونیروی انقلابی توسط دولت وعملا گام برداشتن درجهت منافع امپریالیسم وسرمایه داران چیزی در آن یافت نمیشود .براستی گفتار لنین چه عالی درموردانین آقایان مصداق پیدا کرده است "وجدان سیاسی وخردسیاسی "سازشکاران" وادارشان سرفرود آوردن دربرابرهرآنکس که در آن لحظه قوی ترین است مینماید وا را به ایستادن درسر راه رزمندگان نخست سد راه این وسپس سد راه آن جناح شدن ، به تخفیف مبارزه وتنزیل تضعیف آگاهی انقلابی خلق ،خلقی که برای آزادی به مبارزه ای بی امان دست زده است وا میدارد" درهرصفحه نشریه آنها ،درهرموضع گیری وتحلیلشان میتوان این سازشکاری وخیانت پیشگی را ملاحظه کرد .آنها عملا از سرمایه داران دفاع میکنند ،درکارخانه ها درکنار سرمایه داران علیه کارگران موضع میگیرندودرمقالاتشان کارگران را بتولید بیشتر ومزدکمتر تشویق میکنند .آیا کسی که بکارگران میآموزد که اگرسرمایه داران تولیدرا افزایش میدهند ،آنها به خودخیانت میکنند جز دفاع رذیلانه ازسرمایه داری چه چیزی را تبلیغ میکند؟کسی که در نوشته های خودارتش وپاسداران ضد خلقی را تقدیس میکند ،کسی که فرمان ۱۱ماده ای آیت الله خمینی که در حقیقت فرمان انضباط کورکورانه در ارتش ،فرمان بازسازی واستحکام هرچه بیشتراین ارگان ضدخلقی ،وخلع سلاح توده ها را پیامی تاریخی میخوانند وبرآن مهرتائید میزنند ،جزخدمتگزاری به امپریالیسم چه میکنند؟ مگرارتش این ارگان ستمگری ،درخدمت امپریالیستها نبوده ونیست ؟مگرخود این آقایان زمانی که هنوزکوس رسوائی شان برسرهرکوی وبرزن زده نشده بود آنرا ابزاری دردست امپریالیسم وسرمایه داران نمیدانستند؟ اینجا دیگرصحبت برسرحاکمیت بورژوازی یا خرده بورژوازی نیست ، دفاع آشکار این آقایان ازیک ارگان بغایت ضدخلقی ووابسته است . این دیگردفاع آشکار ازامپریالیسم و گام عملی درجهت خدمت به امپریالیسم وسیاستهای آنست .البته کسانی که سیاست روزشان این است که هنگام حمله چماق بدستان وابسته به حزب جمهوری اسلامی عملا درکنار آنها به نیروهای انقلابی حمله میکنند ،کسانی که شعار اساسی شان "الله اکبر ،خمینی رهبر" است ،کسانی که از سرکوب خلق وسلب حقوق دمکراتیک وآزادیهای سیاسی توده ها توسط رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکنند ،کسانی که به طبقه کارگروتوده های زحمتکش خیانت کرده اند ،باید درنشریه خودنیز این شیوه ها را تبلیغ کنند وخیانت خود را به خلق نشان دهند .اما توده ها بهمان اندازه برای این روزنامه ارزش قائلند که برای روزنامه حزب جمهوری اسلامی ."کار" ازنظرتوده ها دارای خصوصیات دیگریست ."کار" درخط انقلاب ،درخدمت طبقه کارگروهمه زحمتکشان ،درخط مبارزه بی امان با امپریالیسم وپایگاه داخلی آن در خط دفاع ازمبارزه عادلانه خلقها، در خط آگاهی دادن ونه تحمیق توده هاست. این است دلیل اینکه چرااکثر سازشکار وخیانت پیشه برنشریه خودنام "کار" میگذارد ،توده ها پشیزی برای آن ارزش قائل نیستند .بهرحال تلاش ما پس ازطرد اپورتونیسم این بوده و هست که نشریه "کار" را با همان وظایفی که درسرمقاله اولین شماره توضیح داده بودیم منتشرسازیم .اما باید اعتراف کنیم که بعلت دشواری ها ووظایف سنگینی که سازمان درچند ماه گذشته با آن روبرو بوده است عملا نتوانسته ایم آنچنان که لازم است نشریه "کار" را بعنوان یک مبلغ ، مروج وسازمانده جمعی دراختیار هواداران وتوده های مردم قراردهیم هنوزاشکالات فراوانی درزمینه این وظائف نشریه وجودداردوتلاش ما اینست که این نقائص را بویژه با یاری یافتن برنامه حداقلی که سازمان درچند شماره قبل طرح آنرا درسطح جنبش اعلام نمود ،برطرف سازیم .زیرا ازیکسو اکنون انرژی تشکیلات برروی تحلیل اوضاع کنونی ووظائف مارکسیست - لنینیست ها متمرکز گشته وازسوی دیگرهنوز بدرستی وظیفه "کار" و"نبرد خلق" از یکدیگرمتمایزنگشته است . دراینجا بجاست بمناسبت سرآغاز سومین سال

بقیه در صفحه ۱۸

نگاهی به اوضاع سیاسی و حرکت اخیر لیبرالها

بقیه از صفحه ۱

آمریکا وزنه را بسود جیمی کارتر سنگین کرده وبالنتیجه ازموضع قدرت امتیازات فراوانی (ازجمله پول وسلاح) را درازای آن دریافت خواهدکرد وازسوی دیگر لیبرالها را ازنظرسیاسی ایزوله کرده وموقعیت خودرا دردستگاه دولتی ودر میان توده ها استحکام خواهد بخشید .

"حزب" علیرغم تبلیغات ظاهری مبنی برجدا بودن مساله گروگانها از مساله جنگ ،دراین اندیشه بود که با امتیازاتی که درازای آزادی گروگان ها بدست میآورد ،قادربه ایفای نقش تعیین کننده درجنگ بوده وازموضع قدرت عراق را وادار به عقب نشینی خواهدکرد .اما اوضاع روال دیگری پیمودوتجربه نشان داد که حسابهای حزب غلط ازآب درآمد .علاوه برآنکه گروگانها بطرزمفتضحانه ای آزاد شدند ، واین امرآشکارا مشت رهبران حزب را دربرابرتوده ها گشودوتضادهای درونی حزب را ازپرده بیرون انداخت ،هیچ تغییری نیزدرمسئله جنگ وتغییرموازنه قوا درجبهه های جنگ ایجادنکرد و از نظرسیاسی - تبلیغی زمینه های جدیدی برای لیبرالها فراهم کرد .حملات وپیروزیهای بزرگ نظامی ، ازحدتبلیغات دروغین واخبارعموما غیرحقیقی فراترنرفت .ادامه جنگ ، عوارض ناشی ازآن ،تشدیدبحران اقتصادی ،موجب اوجگیری نارضایتی توده ها شد .ازاین پس مسئله جنگ از مرکز تبلیغات وسخنرانیهای لیبرال ها ورهبران حزب جمهوری اسلامی خارج وعملا به موضوع درجه دوم تنزل یافت . تضادهای دوجناح شدت گرفت وموضوع جنگ بتدریج وبطورکامل تحت الشعاع مبارزه میان آنان قرارگرفت تاتوانی هردوجناح درپیشبرد ورهبری جنگ ورقابت اینکه هیچ فرصتی را برای حمله ، طرد وایزوله کردن یکدیگر فراموش نکرده ونمیکند وتغییر ضرورت تمرکز قوای مسلح رژیم جهت گسترش سرکوب خلق کردوسایرمبارزات توده ای ازجمله عواملی هستندکه هردو جناح را باین نتیجه رسانده است که باید راه مذاکره وسازش با حکومت عراق را درپیش گیرند! کافیست اندکی روی سیاستها واقدامات آنان دقت کنیم تا متوجه شویم که خط مذاکره و سازش با عراق ،جریان نیرومندی است که دربرخوردهای پشت پرده' هردو جناح ،بشکل غالب عمل میکند .مذاکره و مذاکرات اولف پالمه فرستاده سازمان ملل وضیاء الحق رئیس جمهور مرتجع پاکستان با رئیس جمهور و نخست وزیر ،تسلیم پیام رجائی توسط فرستاده' ویژه' وی ،به شاهزاده فهد ولیعهد عربستان این دست نشانده و مزدورامپریالیسم آمریکا ...وسرانجام مذاکرات نمایندگان "کنفرانس اسلامی "طائف با اعضای "شورای عالی دفاع" همه وهمه موید این نظراست که هم لیبرالها وهم جناح حزب جمهوری ودولت رجائی علیرغم های - هوی تبلیغاتی درباره' نفی هرگونه مذاکره تا پیش ازبیرون رفتن ارتش عراق ،درپی تدارک وجستجو برای یافتن راههای سازش ومصالحه با عراق اند .

البته مصالحه وسازش با عراق ،در قاموس هریک ازدوجناح ،تابع اصل مهمتروکلی تری است .دراین زمینه طرحها وبرنامه های آنان درگرو پاسخگوئی باین سئوال تنظیم میگردد که هرنوع سازش ومصالحه برپایه' ابتکار وعمل! ورهبری کدامیک و در نهایت منجربه تقویت مواضع کدام جناح منجرخواهدشد؟ سازاین محافل حاکمه ازیکسو دراین اندیشه اند که چگونه بوسیله سلسله مسائی وایجاد

بقیه در صفحه ۱۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۱۰۰ صفحه ۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

جنبش کارگری

تشکیل شورای واقعی، پیروزی کارگران برق واگنها.

کارگران قسمت برق واگنها با هوشیاری انقلابی، توطئه تفرقه افکنانه انجمن اسلامی را خنثی کرده وتوانستند با موفقیت دومین دوره انتخابات شورای واقعی خودرا به انجام رسانند.

بعلت پایان گرفتن مدت فعالیت یک ساله شوراء کارگران فعالانه بتدارک انتخابات مجدد پرداختند. آنها ضمن بحث وتبادل نظر، با استفاده از تجربیات پربار گذشته میکوشیدند عمیق ترین وآگاه ترین وفعال ترین کارگران را برای نمایندگی شورا کاندید کنند.

رئیس قسمت تهویه (عضو انجمن اسلامی) که در دوره های قبلی نماینده شورا بود ولی از طرف کارگران از شورا اخراج شده بود، میکوشید جریان انتخابات را به مجرای انحرافی بیندازد تا مبرده با طرح انتخاب یک نماینده برای هر ۱۵ نفر، سعی میکرد عوامل انجمن اسلامی را به شورا بفرستد. کارگران که از این عمل تفرقه افکنانه بشدت خشمگین شده بودند در جلسه انتخابات او را بخوبی افشاء کرده واز توطئه اش پرده برداشتند و با تبازی انجمن اسلامی را محکوم کردند.

در جلسه انتخابات کارگران یکپارچه تاکید کردند که: "در اینجا کسی بفکر با تبازی نیا شد که کارگران بشدت با آنها مقابله خواهند کرد".

پس از رای گیری، سه نماینده از دوره قبل ودو نماینده جدید انتخاب شدند.

کارگران آگاه ومبارز راه آهن بار دیگر هوشیاری خودرا در حفظ شورای واقعی کارگری وخنثی کردن توطئه های تفرقه افکنانه وبا تبازیها نشان دادند وانتخابات را با پیروزی خود به انجام رساندند.

کارگران مبارز برق واگنها که در طی دو سال اخیر بیش از چند بار دست به تشکیل شورا زده اند تا آنکه سرانجام موفق به تشکیل شورای واقعی خود شده اند و بدینوسیله درک صحیح خود را از ضرورت شورای واقعی به اثبات رساندند. اکنون باید با در اختیار گذاشتن تجربیات پربار خود در خدمت کارگران سایر قسمتها کوشش کنند تا با شرکت فعال در شورای مرکزی، آنرا هرچه بیشتر در جهت حفظ منافع کارگران سوق دهند.

چند خبر از برق "فارابی"

* حدود شش ماه پیش، ۳۵ نفر از رانندگان "برق فارابی" را برای کار موقت شش ماهه به شرکت واحد فرستاده بودند. تقریبا از یکماه و پیش، مدت کار آنها در شرکت واحد پایان یافته و آنها برای بازگشت به برق، مرتبا به مدیر عامل مراجعه میکردند ولی او تاکنون از بازگرداندن آنها خودداری کرده است. هفته پیش رانندگان زحمتکش مجددا به مدیر عامل مراجعه میکنند ولی او با بیشرمی تمام میگوید: "تا وقتی من در اینجا هستم شما باید در شرکت واحد کار کنید". رانندگان میگویند: "ما در برق استخدام شده ایم نه در واحد، اگر میخواستیم، در واحد استخدام شده بودیم". مدیر عامل میگوید: "شما فاسد انقلابید!!". رانندگان زحمتکش که مدتها است در بلاتکلیفی بسر میبرند آنچنان از این حرف بخشم می آیند که او را بشدت کتک میزنند. ماهیت ضد کارگری مدیر عامل موجب شده است تا کارگران با ابراز خوشحالی و تعلل فوری خبر بیکدیگر از حرکت رانندگان پشتیبانی کنند. اما رانندگان زحمتکش باید بدانند که تنها با ادامه مبارزه و حفظ اتحاد خویش در یک شورای انقلابی خواهند توانست بسر کار بازگردند.

* شورای فرمایشی "برق فارابی" در نیمه اول بهمن ماه برای بررسی ایجاد دادگاه اداری تشکیل جلسه میدهد. در این جلسه قانون دادگاه اداری رژیم شاه به تصویب میرسد و برای اجرا ابلاغ میگردد!!! اعضای دادگاه از ۴ مدیر انتصابی از طرف مدیر عامل و یک عضو شورای فرمایشی تشکیل شده است. کارگران که شورای فرمایشی را درخدمت مدیران میدانند، مصمم هستند هرچه زودتر شورای واقعی کارگری را تشکیل دهند تا از تدوین و اجرای قوانین ضد کارگری جلوگیری نمایند.

* در نیمه اول بهمن ماه، کارگر زحمتکش در اثر برق گرفتگی در گذشت کارگران که از مرگ همکارشان بشدت خشمگین هستند خواستار رسیدگی به جریان واقعه میباشند و مدیریت را مسئول مرگ این کارگر میدانند.

چند خبر: از ماشین سازی اراک.

* اتحاد و مبارزه کارگران، مدیر انتصابی را برکنار میکند.

در تاریخ ۱۰/۲۵ مدیریت اداری "سرمد" را بعنوان مدیر خدمات فنی منصوب کرده و او را مدیری شایسته، متخصص و مکتبی!! معرفی مینماید. کارگران قسمت نصب و تعمیرات که از دوابق وابستگی نامبرده به رژیم شاه و اعمال ضد کارگری او بخوبی اطلاع داشته اند، ضمن افشای این مدیر متخصص و مکتبی با نوشتن طومارهای خواهان برکناری او میشوند. مدیریت در ابتدا مربه خواسته کارگران اهمیتی نمیدهد ولی وقتی با پافشاری و التیماتوم کارگران مبنی بر اعتصاب روبرو میشود تسلیم شده و "سرمد" استعفا میدهد؟!!

کارگران که به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی پی برده اند میگویند: "برای ما واضح است که او را به سازمان گسترش میفرستند و پست بهتری نیز به او میدهند، همانطور که تاکنون با رها این عمل انجام شده است. ولی باید تمام افراد ضد کارگر و حامی سرمایه داری را از سازمان گسترش افشاء و اخراج کرد".

* بعد از تصمیم کمیسیون پاکسازی سازمان گسترش مبنی بر بازگشت بکار سا واکیها و صدور حکم برای آنها که به تصویب نماینده "امام" در این شهر نیز رسیده است، مدیریت به آنها میگوید که من مایلم شما برگردید ولی در صورت بازگشت شما کارگران مرا نیز اخراج خواهند کرد.

مدیریت، انجمن اسلامی و ساواکی ها که بهر نحو میخواهند اینکار را انجام گیرد با استفاده از نفوذی که شورای اول در بین کارگران دارد شایع میکنند که شورای اول با بازگشت سا واکیها بکار موافق است.

شورای اول ضمن صدور اطلاعیه ای، هرگونه اظهار نظر و تصمیم گیری در اینمورد را رد میکند. بدین ترتیب کارگران تاکنون با هوشیاری و اتحاد خود از ورود سا واکیها و عناصر خود فروخته و ضد کارگر به کارخانه جلوگیری کرده اند.

* طرح طبقه بندی مشاغل که توسط هیئت امنای سازمان گسترش و

بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۴

بقیه از صفحه ۳

جنبش کارگری

چند خبر:

ازماشین سازی اراک

وزارت صنایع ،به‌کارخانه ارائه شده است با مخالفت شدید کارگران روبروگردیده است .

کارگران طرح مذکور را "آریامهری" دانسته و با صدور قطعنامه‌ای خواهان اجرای طرح پیشنهادی خود می‌باشند .

تعطیل کارگاه، توطئه سرمایه‌داران

کارگران شرکت پارس ساختمان در برابر توطئه تعطیل کارگاه مقاومت میکنند .شرکت پارس ساختمان یک شرکت ساختمانی وتاسیساتی است که ازسال ۵۶ درپالایشگاه اصفهان در قسمت انبار نفت گلدشت تاسیس شده است .این شرکت پیمانکار دست دوم شرکت اسدم (فرانسوی) است که با شرکت نفت قرارداد دارد .شرکت پارس ساختمان متعلق به‌شرکت مهک بندر ـ عباس است که سهامداران آن نیز عبارتند از بنیاد مستضعفین ۵۱% و کامران نصر ۴۹% روز دوشنبه ۱۱/۲۰ از طرف دفتر نظارت شرکت نفت نامه‌ای به‌شرکت اسدم و از آنجا به‌شرکت پارس ساختمان فرستاده میشود که : "چون ادامه کار موجب خسارت است و..... کارگاه را تعطیل کرده و با کارگران تسویه حساب کنید و..." .

کارگران که از مدتها قبل از کارشکنی های کارفرمایان مطلع بودند با حمایت یکپارچه از شورای واقعی خود در برابر این توطئه مقاومت کرده و آنرا نمی‌پذیرند و ضمن شکایت به وزارت کار میگویند کارگاه را باز نگهداشته و از بیکاری کارگران جلوگیری کنند .کارگران میگویند چون کارفرما ۸۰% هزینه انجام کار را دریافت کرده و تنها ۶۱% کار را انجام داده است لذا به‌نفع اوست که بقیه کار را انجام ندهد و کارگاه را تعطیل کند

آخرین خبر حاکی از آنست که کارگران مصمم اند بدستور شورای خود همچنان بکار ادامه دهند .

کمیته تخصیص کارکنان جنگ‌زده مستقر در اداره دوم مورد تائید نفتگران نیست

کمیته تخصیص که در واقع از لحظه ... اصلی کار یابی برای کارکنان جنگ زده را بعهده دارد در عمل نشان داده است که فاقد صلاحیت لازم برای این کار است .این کمیته نتوانسته است تائید کارکنان جنگ زده در تهران ، وشورای پالایشگاه تهران ،همینطور "شورای سراسری کارکنان جنگ زده در تهران" ،وشورای صنعت نفت آبادان و "خونین شهر" را بدست آورد .کمیته مذکور اخیرا تصمیم گرفته است گروههائی را جهت کار به پالایشگاه تهران اعزام دارد. از آنجا که در میان افراد گروه اول که تعداد آنها ۲۲ نفر است اکثر افرادی وجود دارند که از گرید ۹ به بالا میباشند (از حقوقهای بالائی بر خوردارند) ،کارکمیته مورد اعتراض شدید کارکنان قرار گرفته است .شوراهای پالایشگاه تهران در اطلاعیه مورخ ۵۹/۱۰/۲۴ در این باره مینویسد :

"پس از تحقیقات بسیار به این نتیجه رسیده‌ایم که کمیته تخصیص کارکنان جنگ زده مستقر در اداره دوم مورد تائید کارکنان جنگ زده در تهران وشوراهای ما نمیباشد و تصمیمات اتخاذ شده درباره تخصیص گروه اول کارکنان به پالایشگاه تهران از طرف کمیته مزبور مورد قبول ما نیست ."

البته شوراهای پالایشگاه تهران در پایان همین اطلاعیه به سازش با مدیریت پالایشگاه کشیده شده‌اند ، سازشی که نمیتواند مورد قبول کارکنان باشد .همینطور "شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان و خونین شهر" در اطلاعیه مورخ ۵۹/۹/۳۰ خود ماده ۳ چنین مینویسد : ۳ ـ چون وضعیت آینده کارکنان روشن نیست ، ما فقط در صورتی اقدامات کمیسیون بررسی وتخصص نیروی انسانی را قبول داریم که برای تمام کارکنان جنگ زده کار یابی شود و این تضمین رسما داده شود."

اما کمیته تخصیص با اولین اقدام خود نشان داد که نمیخواهد بشکلی عمل نماید که منافع کارگران وزحمتکشان این صنعت که در جنگ خسارات فراوانی دیده‌اند تامین شود بلکه عمل او در جهت تامین منافع هر چه بیشتر کسانی است که در حال حاضر نیز بعلت بالا بودن رتبه شغلی ، حقوق کافی دریافت میکنند .

از اینرو لازم است که :

۱ ـ شوراهای هر قسمت برامر تخصیص کارکنان ،کنترل ونظارت کامل داشته باشند .

۲ ـ تخصیص کارکنان جنگ زده از سوی شوراهای پالایشگاهها ،شورای مرکزی پخش وشورای مرکزی خطوط لوله ومخابرات وشورای سراسری کارکنان جنگ زده ... عملی گردد .

۳ ـ حق تقدم با افرادی باشد که از پائین ترین حقوق برخوردار بوده و رتبه شغلی بالائی نداشته‌اند .

شورای واقعی، خواست کارگران عمران تکلار

کارگران شرکت عمران تکلار با اجتماع در مقابل دفتر شرکت خواستار تشکیل شورای واقعی کارگری شدند .

شرکت ساختمانی عمران تکلار تهران واقع در شهرک غرب در سال ۵۲ـ ۵۳ تاسیس شده و وابسته به‌کشور یونان بود که پس از قیام در اختیار بنیاد مستضعفین قرار گرفته است این شرکت دارای بیش از هزار نفر کارگر است که همگی بغیر از فورمن ها و سرکارگرها روزانه معادل ۶۳۵ الی ۷۳۵ ریال دستمزد میگیرند و ساعات کار آنها از ۷ صبح الی ۴/۵ بعدازظهر است و در روزهای تعطیل نیز بکار مشغولند .کارگران زحمتکش تکلار که از کلیه حقوق و امکانات محروم هستند بدرستی دریافته‌اند که تنها با داشتن شورای واقعی کارگری قادر خواهند بود به‌خواستهای برحق خویش دست یابند ،بدین جهت کارگران صبح روز سه‌شنبه ۱۹/۱۶ در مقابل دفتر کار گزینی اجتماع کرده و خواهان تشکیل شورا میشوند .مهندس "نیک نفس" سرپرست شرکت کوشش میکند ابتدا با فریب وچرب زبانی وسپس با تهدید کارگران را از تشکیل شورا منصرف کند ،ولی کارگران ضمن طرح خواستهایشان از قبیل کفش ،لباس حقوق ماهانه وپاداش ،بیمه و..... همچنان بر تشکیل شورا پافشاری میکنند و سرانجام موفق میشوند که نمایندگان را انتخاب کرده و شورا را تشکیل دهند .کارگران اکنون در انتظارند تا شورا برای کسب حقوق حقه آنان اقدامات فوری وجدی بعمل آورد .

پیش بسوی تشکیل شورای سراسری توانیر

مدیریت توانیر که همانند سایر مدیران اعم از دولتی وخصوصی دشمن شورای واقعی کارکنان است ،از هر وسیله‌ای برای انحلال شوراهای واقعی نیروگاهها استفاده میکند . در ماه گذشته نیز با همدستی پنهانی انجمن اسلامی اطلاعیه‌ای خطاب به شورای تدارکات ما در میکند که : "در توانیر چه خبر است ؟ گاربجایی رسیده است که شورای تدارکات یا انجمن اسلامی را به‌رسمیت بشناسند؟ و..... شورای تدارکات که منظور طلبی مدیریت را از این اطلاعیه فهمیده بود ،انجمن اسلامی را به‌یک مجمع عمومی با حضور تمام کارکنان نیروگاه دعوت می کند تا به‌سئوالات کارکنان

بقیه در صفحه ۱۲

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج ـ تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری برپا داریم

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

از: اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و نشریات کارگران پیشرو

تبریز

کفاشان پیشرو تبریز در تراکتی ضمن برشمردن خواستهای کفاشان، از سندیکای خود خواسته‌اند که اگر می‌خواهد برای این زحمتکشان کاری انجام دهد باید در راه تحقق این خواسته‌ها مبارزه کند. در بخشهائی از این تراکت آمده است:

"برادران کفاش ما در حال حاضر با کمبود و نایابی مواد اولیه از قبیل بنزین و چسب و سی‌یو و ... روبرو هستیم علاوه بر اینها ... بازار سیاه و احتکار هر روز بر قیمتها می‌افزایند.

ما میگوئیم: دولت باید با تشکیل شرکت تعاونی و توزیع مواد اولیه کفاشان از کمیابی و احتکار و گرانی جلوگیری کند.

دولت باید با دادن وام کم بهره "همچنانکه به سرمایه‌داران می‌دهد" و بیمه رایگان وضع کفاشان زحمتکش را بهبود بخشد."

رشت

تجمع مدیران دولتی کارخانجات رشت یکبار دیگر ماهیت ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی را آشکار کرد.

نقل از اعلامیه کارگران پیشرو رشت:

در روز سه‌شنبه ۱۱ بهمن‌ماه جلسه‌ای با شرکت کلیه مدیران کارخانجات دولتی در استانداری رشت تشکیل شد. دستور جلسه را بررسی کمبود قطعات یدکی و مواد اولیه قرار داده بودند. ولی تنها چیزی که درباره‌اش صحبت نشد همین موضوع بود و بجای آن عوامل خودفروخته جمهوری اسلامی سرمایه‌دار و بصیری مدیرعامل پارس نیت، آرامی مدیر عامل فومنات، و طباطبائی مدیرعامل پوشش اقدام به طراحی توطئه‌ای علیه کارگران و رزمندگان انقلابی مینمایند و حاصل توطئه خود را بصورت قطعنامه‌ای بشرح زیر صادر میکنند.

۱ ـ سود ویژه به هیچ عنوان بیش از مبلغ تعیین شده بوسیله دولت پرداخت نشود و هرکسی این ماده را نقض کند تحت تعقیب دادستان انقلاب قرار خواهد گرفت.

۲ ـ از طبقه‌بندی مشاغل تا اعلام طرح طبقه‌بندی سراسری از طرف دولت تا ملا جلوگیری شود.

۳ ـ اضافه حقوق به هیچ عنوان پرداخت نشود.

۴ ـ هر نوع حرکت و تشنج کارگری بوسیله بسیج و سپاه شدیداً سرکوب شود.

۵ ـ کمیته اتحاد شوراها که جدیداً شروع بفعالیت کرده و اعلامیه‌هایش در سطح وسیعی پخش میشود شناسائی و شدیداً سرکوب شود.

۶ ـ شدیداً و قاطعانه از انتخابات شوراهای کارگری که این روزها مجدداً بوسیله کارگران صورت میگیرد جلوگیری شود.

موارد بالا مشتی است از نمونه‌های سرسپردگی این عوامل خودفروخته بسرمایه‌داران زالوصفت.

کارگران انقلابی و مبارز! کافیست اندکی به متن قطعنامه دقت کنید تا بدانید چه کسانی سود ویژه را که بخشی از دسترنجشان است میخواهند؟

کارگران و زحمتکشان

چه کسانی در دادستانی بمحاکمه کشیده میشوند؟

کارگران و زحمتکشان

چه کسانی میخواهند برای دستیابی به ابتدائی‌ترین حقوق خود شورا برپا کنند؟

کارگران و زحمتکشان

چه کسانی آنها را سرکوب میکنند؟

جمهوری اسلامی سرمایه‌داران.

چه کسانی آنها را غارت میکنند؟

جمهوری اسلامی سرمایه‌داران.

چه کسانی مانع برپائی شوراهای واقعی کارگرانند؟

جمهوری اسلامی سرمایه‌داران.

آیا با چنین رسوائی ننگینی باز هم سردمداران جمهوری اسلامی خود را حامیان کارگران و زحمتکشان میدانند؟

کارگران و زحمتکشان انقلابی! با اتحاد و همبستگی خود توطئه‌های غارتگرانه جمهوری اسلامی را رسوا و درهم بکوبیم.

تهران

کارگران پیشرو صنایع دفاع در تراکتی بازگشت افسران سرسپرده اخراجی را به سرکار خدمت به امپریالیسم و خیانت به توده‌ها دانسته و در بخشی از آن گفته‌اند:

"کمیسیون تجدیدنظر وزارت دفاع اخیراً حکم بازگشت به کار ۱۳ تن از افسران سرسپرده اخراجی را صادر کرده است. این عده عبارتند از سرهنگ طباریان، شهسواری، شعیبی، عامریان، بیگلربیگی قربانی، بصیری، چمنی و ... با بازگرداندن افسرانی نظیر سرهنگ طباریان که ۲۰ سال تمام در دستگاه ضد اطلاعات یا رویاور "سازمان سیا" آمریکا بوده و تمام رگ و پی‌اش به آمریکا وابسته است، افسرانی نظیر سرهنگ شهسواری که به شهادت پرونده‌های فساد اخلاقی‌اش مایه ننگ بشریت اند جز خدمت به امپریالیسم و خیانت به توده‌ها معنی دیگری ندارد."

پیشتاز
نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت
دوره جدید شماره ۱ بهمن ۱۳۵۹

دوره جدید پیشتاز نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت در بهمن ماه انتشار یافت. این نشریه که پس از مدتی پخش اعلامیه‌ها و تراکتهای نفتگران پیشرو اکنون به این حد ارتقاء یافته است، ارگانی است که طلیعه‌های بسیج و هدایت سراسری مبارزات نفتگران ایران به خوبی در آن می‌درخشد. ما ضمن آرزوی موفقیت برای کارگران پیشرو صنعت نفت بخشهایی از یک خبر آنرا در زیر نقل می‌کنیم. در این خبر که به اعتراض نفتگران اداره حراست تاسیسات ری و پالایشگاه تهران به ریاست "حاجی درویش" مربوط میشود آمده است که:

"کارکنان حراست انبار نفت ری و پالایشگاه تهران مشترکاً طی اطلاعیه‌ای مخالفت خود را با ریاست حاجی درویش رئیسی که از طرف انجمن اسلامی بر کارکنان این اداره تحمیل شده، اعلام داشته‌اند. آنها در اطلاعیه خود می‌نویسند: مدت ۴ ماه است که آقای حاجی درویش، رئیس حراست پالایشگاه تهران شده، تمام همکاران ما از دستش بستوه آمده‌اند:"

نشریه پیشتاز پس از افشاگری در مورد سوابق "حاجی درویش" از جمله اینکه:

"موقع انتخابات ریاست جمهوری برای ریاست جمهوری جناب تیمسار مدنی تبلیغ می‌کرد و کتابی از حضرت تیمسار را در پارکینگ

بقیه در صفحه ۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی ـ دموکراتیک خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۶

لایشگاه برای تبلیغ به کارکنان میداد.
ا "او که قبلا در پروسس کار می کرد
لت فرا را ز زیر بار کار به بهانه فعالیت
انجمن اسلامی از قسمت پروسس بیرون
نده شد."

در رهنمود به نفتگران گفته است:
"بنابراین شورای حراست وظیفه
ردکه او را اخراج نموده یا تمامی اعمال
را تحت کنترل خود درآورد. در عین
ل همکاران ما در پالایشگاه بایستی
ه این شگرد انجمن اسلامی که سعی می
ندروسای تحمیلی از جانب خود بر قسمت
ای مختلف بگمارد توجه کافی داشته
اشند. واصل کلی کنترل مدیریت از
ریق شوراها را در همه جا عملی سازند."

کارخانه ایران والنو

کارگران پیشرو این کارخانه در
علامیه ای تحت عنوان "شورای واقعی
اتشکیل دهیم" گفته اند:
"امروز ما چاره ای نداریم جز اینکه
ست در دست هم داده با اتحاد خود در شورا
ای واقعی متشکل شویم."
"شورایی تشکیل دهیم که مدافع حقوق
ا باشد و بتواند مشکلات ما را حل نماید:
حقوق و مساعده، سود ویژه و سایر
قوق ما را بموقع از کارفرما بگیرد و
جازه ندهد حق سختی کار سه ماه عقب
یفتد. برخرید مواد خام، تولید و فروش
ارخانه و سایر امور نظارت دقت داشته
باشد و تشکیل مرتب مجمع عمومی کارگران
ا در جریان تمام امور قرار دهد. توطئه
ها و حقه های کارفرما
را مثل اخراج کارگران آگاه،
های کارفرما را مثل اخراج کارگران آگاه،
تهدید به تعطیل کارخانه، ترساندن مواد
خام برای ترساندن کارگران، دادن بیلان
دروغ در مورد ضرر و زیان کارخانه
ایجاد تفرقه میان کارگران و ... را
شناخته و راه مقابله با آنها را نشان دهد
(مثل شورای قبلی نباشد که در اخراج
کارگران با کارفرما همکاری میکرد.)"

از: اعلامیه ها، تراکت ها و نشریات کارگران پیشرو

بقیه از صفحه ۵

کارخانه تولیدارو

در اعلامیه ای تحت عنوان "با انتخاب نمایندگان واقعی خود از انحلال شرکت تکنوصنایع (یکی از موسسات این واحد) جلوگیری کنیم، کارگران پیشرو گفته اند:
"به گفته هیئت مدیره دولتی چون شرکت تکنوصنایع در سال گذشته ضرر داده بنابراین باید منحل شود. هیئت مدیره گفته علت ورشکستگی شرکت کم کاری کارگران و بالا بودن هزینه آنهاست. شورا هم موقعیت جنگی و رخنه ضد انقلاب را بهانه می کند.
اما ما بخوبی میدانیم که مسئول انحلال شرکت انوری ها، معینی ها و تمام کسانی هستند که پاداش ها و پول های کلان به جیب میزنند نه کارگرانی که صبح تا شب در کارخانه جان میکنند و آخر هم هشت شان گرونه شان است."
در پایان اعلامیه آمده است که:
"برای جلوگیری از انحلال شرکت تکنوصنایع و حمایت از دوستان کارگر خود و برای گرفتن سود ویژه که قسمتی از دستمزد و حق مسلم ماست و برای رسیدن به کلیه خواستهای خود نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم."

خبری از مهمات سازی

شورای داوری کارخانجات مهماتسازی به داوری نشسته و یکی از کارگران را بعلت درگیری با نظام دهنده اش (استاد کارخانه) ۲۰۰ تومان جریمه نمود. شورا این شاهکار خود را طی بخشنامه ای به اطلاع کارگران رسانده و به آنها توصیه کرده است با استادان همکاری نموده و از آنها اطاعت نمایند در غیر اینصورت جریمه خواهند شد. در این اطلاعیه، برای خالی نبردن عریضه به استادان هم نصیحت شده با کارگران رفتاری پدرانه داشته باشند!
ما کارگران از شورای منتخب خود میخواهیم هرچه سریعتر بیلان عملکرد های شورای داوری را در طول دو سال گذشته ارائه دهد تا معلوم گردد شورای داوری تاکنون جز تفتیش عقاید و صدور رای به ضرر کارگران چه وظایفی را انجام داده است.

نقل از خبرنامه شماره ۷ کارکنان پیشرو صنایع دفاع

قزوین

کارگران پیشرو قزوین ضمن اعلامیه ای در پی ترسیم وضع کنونی کارگران که مبارزاتشان روبه اعتلاست و نشان دادن عکس العملهای رژیم جمهوری اسلامی در مقابل آنان که چیزی جز فریب و سرکوب نبوده است گفته اند:
"اکنون برای ما روشن شده است که جامعه در بحران عمیقی فرو رفته است و این بحران به گرانی، بیکاری فقر و هلاکت و کمبود ارزاق عمومی که ناشی از جامعه سرمایه داری است دامن می زند. وظیفه کارگران مبارز و انقلابی در شرایط کنونی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی کارگریست. حمایت از شوراهای واقعی ضامن موفقیتهای بیشتری برای ماست.
شوراهای واقعی در شرایط کنونی وظیفه دارند که با مسئولیت هرچه بیشتری خواسته های کارگران را مطرح کرده و در جهت بدست آوردن آنها اقدام نمایند. نمایندگان واقعی کارگران باید با برگزاری جلسات عمومی، کارگران را در جریان کلیه مسائل کارخانه قرار دهند و توطئه سرمایه داران را برای کارگران افشا نمایند."

سرکوب زحمتکشان...

بقیه از صفحه ۷

همکاری سایر دوستان مکتبی که متشکل از ساواکیها و اوباشانی که تا قبل از قیام جزو چماقداران و قمه کشان رژیم شاه بودند ستادش را در مسجد الرسول تشکیل داده است. اعلامیه هائی در میان زحمتکشان از طریق این ستاد پخش میشود که در آن کارگران را "آمریکائی" "ضد انقلاب" و "ستون پنجم" خطاب میکند کارگران این اعلامیه ها را با خشم و نفرت پاره میکنند بدستور اعتضادی دو تابوت پر از چماق بعنوان جنازه شهید بهمراهی عده ای از بسیجی ها بین کارگران میبرند اما کارگران این توطئه را خنثی میکنند از سوی دیگر مدیر عامل و دارودسته "متخصص اش" پی در پی به میان کارگران رفته با سخنرانی و فریب کارگران سعی در درهم شکستن مبارزات آنها دارند. بقول کارگری "یکی با شمشیر سر میبرد دیگری با پنبه!"

اما شیوه فریب کارگران در بعضی از مناطق کارساز میشود. در مناطق ۲ و ۴ کارگران به وعده و وعیدهای مدیر عامل تن میدهند و به اعتصاب خاتمه میدهند، اما کم کاری ادامه می یابد کارگران منطقه ۳ مصمم اند تا رسیدن به خواستهای برحق خود اعتصاب را ادامه دهند. اینبار آقای اعتضادی با همراهی بیش از ۴۰ پاسدار وارد صحنه میشود. او فرمان یورش به کارگران را صادر میکند، زد و خورد در میگیرد. چند تن از زحمتکشان دستگیر میشوند، چند نفر از اوباشان آماده اند که اتوبوس ها را بحرکت درآورند. به این ترتیب سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اعتصاب زحمتکشان واحد را سرکوب میکنند. اما زحمتکشان واحد از این مبارزه درس بزرگی آموختند آنها ابتدا دریافتند که تمام دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی بنفع سرمایه داران و تجار بازار عمل میکنند. آنها پی بردند دو جناح حکومت هرکدام به شیوه خود، در مقابل خواستهای برحق کارگران دست بسرکوب میزنند.

اما زحمتکشان شرکت واحد در مقابل سازماندهی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی از هیچگونه سازماندهی مناسب برخوردار نبودند آنها بشکل خودبخودی دست بعمل زدند هماهنگی لازم بین تمام قسمتها برقرار نبود. آنها نتوانستند خواستهای خود را بنحو گسترده در میان سایر مردم زحمتکش تبلیغ کنند تا هرگونه سوء استفاده جمهوری اسلامی را از این حرکت خنثی نمایند شوراها در جریان مبارزات زحمتکشان واحد نقش فعال و برازنده خود را ایفاء نکردند. زحمتکشان واحد بیش از هرچیز میبایست از طریق شوراهای هماهنگی لازم را در تمام تعمیرگاهها و مناطق شرکت برقرار نموده و با تشکیل کمیته اعتصاب مبارزه را به پیش میبردند. در حال حاضر زحمتکشان واحد پیش از هرچیز باید دست بتبلیغ گسترده خواستهای خود در سطح شرکت و در خارج از آن بزنند و از سوی دیگر با اتحاد و یکپارچگی خود به حمایت از شوراها برخیزند و مبارزه را تا رسیدن به خواستهای خود ادامه دهند ●

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سرکوب زحمتکشان شرکت واحد بار دیگر جمهوری اسلامی را رسوا کرد

حکومت جمهوری اسلامی با توسل به شیوه‌های گوناگون، اعتصاب زحمتکشان شرکت واحد را سرکوب نمود. این امر نشانگر بی‌اعتباری رژیم جمهوری اسلامی در میان توده‌های زحمتکش میهن ماست. ۱۲۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت واحد از جمله زحمتکشان محروم جامعه ما هستند. رانندگان بیشترین تعداد این زحمتکشان را در شرکت واحد تشکیل می‌دهند. آنها بیش از ۱۲ ساعت در شبانه روز کار می‌کنند. زحمتکشان شرکت واحد از بامداد تا شام در چله زمستان و گرمای تابستان در ترافیک شلوغ خیابانهای تهران جان می‌کنند. اما اینک کمر این زحمتکشان زیر بار گرانی کمرشکن و فقر روزافزون خم شده است. اغلب آنها با چند سر عائله از داشتن سرپناهی هم محروم هستند. آنها با حقوق ناچیزی که می‌گیرند همیشه هشتشان گرو نه‌شان است. فقر و فاقه روزافزون زندگی آنها و خانواده‌هایشان را بمخاطره افکنده است. از سوی دیگر سرمایه‌داران و تجار بازار آزادانه قیمتها را سرسام‌آور افزایش می‌دهند و هر روز مقدار بیشتری از حقوق ناچیز زحمتکشان را به جیب گشاد شان می‌ریزند. اما حکومت جمهوری اسلامی که از بام تا شام با بوق و کرنا سنگ "مستضعفین" را به سینه می‌زند به بهانه‌های گوناگون دستور قطع پرداخت بخشی از حقوق ناچیز کارگران و زحمتکشان را می‌دهد. یک نمونه قطع عیدی و پاداش زحمتکشان شرکت واحد است. همه کارگران و زحمتکشان می‌دانند که عیدی و پاداش قسمتی از حقوق آنان است، که در زمان شاه منفور آن را در آخر سال به این شکل می‌پرداختند. مدیران شرکت واحد که چند روز قبل در مقابل مبارزات زحمتکشان شرکت واحد مجبور به پرداخت آن شده بودند و حتی با اطلاعیه‌ای آنرا ابلاغ کرده بودند اینک دستور قطع عیدی و پاداش را صادر می‌کنند.

ادامه مبارزات زحمتکشان واحد به اعتصاب می انجامد

مبارزه زحمتکشان شرکت واحد از مدتها قبل برای کسب خواستهایشان ادامه داشت. دو هفته پیش شورای مرکزی تعمیرگاهها، کارگران را دعوت به شرکت در مجمع عمومی نمود. مخالفت مدیران شرکت و گردانندگان انجمن اسلامی و سایر اوباشان علیه شوراها به شکست انجامید. تعداد کثیری از کارگران در این مجمع عمومی شرکت کردند. آنها خواستهای خود را اعلام نمودند و از هیئت مدیره خواستار پاسخگوئی به خواستهای خود شدند. هیئت مدیره که خود را در

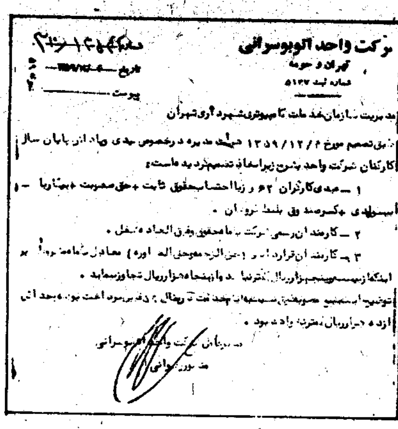
شرکت واحد اتوبوسرانی
تهران و حومه
شماره ثبت ۵۱۲۷
تاریخ ...
پیوست ...
مدیریت سازمان خدمات کامپیوتری شهرداری تهران
طبق تصمیم مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲ هیئت مدیره در خصوص عیدی پایان سال کارکنان شرکت واحد ...
۱ ـ عیدی کارگران ۶۲ روز ...
۲ ـ کارمندان رسمی شرکت ...
۳ ـ کارمندان قراردادی ...
مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی

مقابل اتحاد یکپارچه کارگران زبون یافته بود، حاضر به پذیرش ۶۲ روز عیدی برای رانندگان و یکماه برای کارمندان رسمی و قراردادی شد. در پی توصیه‌های آیت الله منتظری و نطق آقای رجائی دایر بر عدم پرداخت عیدی به کارگران و زحمتکشان و لزوم سرکوب هرگونه مبارزه‌ای در این جهت، مدیرعامل شرکت طی اطلاعیه‌ای عدم پرداخت عیدی را در نیمه دوم بهمن اعلام نمود و آن را به زمانی نامعلوم موکول کرد. اعتراض کارگران ابتدا با حرکات پراکنده شکل می‌گیرد. ساعت ۲/۵ روز یکشنبه رانندگان منطقه ۲ جلوی حسابداری اجتماع می‌کنند. بعد از مدتی کارگران تعمیرگاه نیز به جمع آنان می‌پیوندند. رانندگان و کارگران تعمیرگاه شب دوشنبه را متحصن شدند. مدیرعامل با فریب و نیرنگ قصد درهم شکستن مبارزات آنان را داشت، اما ناکام ماند. ساعت ۵/۵ صبح رانندگان صبح کار به جمع آنها می‌پیوندند. کارگران خبر اجتماع خود را به سایر تعمیرگاهها و مناطق شماره ۱ و ۲ و ۴ می‌دهند. صبح دوشنبه دامنه اعتصاب و کم‌کاری تمام شرکت واحد را فرا گرفت. استعفای عضو هیئت مدیره و رئیس امور اداری و انتظامی شرکت واحد به همراهی جاسوسان و اوباشانی که دور خود جمع کرده است به میان کارگران آمد و به التماس افتاده و خواهان برگشت کارگران بر سر کار شد، اما کارگران به او جواب دندان‌شکنی دادند. با عدم حضور اتوبوسهای شرکت واحد، خبر اعتصاب در شهر پیچید. مردم زحمتکش از اعتصاب حمایت می‌کردند. عده‌ای از کارگران کشتارگاه می‌گفتند: "زنده باد کارگران واحد!"

دستگاههای فریب و تحمیق مردم زحمتکش به کار می افتند

ارگانهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی، تبلیغات کر کننده خود علیه زحمتکشان را آغاز می‌کنند. روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی از قول سردمداران رژیم جمهوری اسلامی می‌گویند: "عده‌ای از خدا بی‌خبر و "نوکران شرق و غرب" به بهانه اینکه پرداخت پاداش و عیدی آخر سال به تاخیر افتاده است دست از کار کشیده‌اند (اطلاعیه شهرداری تهران). آقای رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه‌ای می‌گوید "اینهائیکه دست به این کار می‌زنند از هر کس و هرچی با شد تحت عنوان کارگر را به خودشان گرفته باشند که ترحم را جلب کنند، اینها قابل ترحم نیستند و باید بشدت تنبیه شوند".

اما زحمتکشان شرکت واحد با خشم و نفرت با سر شار به این یاوه‌گوییها برخورد می‌کنند. یکی از رانندگان نازی آباد می‌گوید: "اینها می‌گویند رانندگان نازی آباد آمریکائی هستند، بابا آمریکا کجا و نازی آباد کجا، اینها که هر روز با آمریکا مذاکره می‌کنند آمریکائی نیستند؟!"

رئیس جمهور بنی‌صدر نیز که این روزها سنگ "آزادی زحمتکشان" را به سینه می‌زند سکوت کرده است، زیرا بخوبی می‌داند که دار و دسته طرفدار او در هیئت مدیره براحتی قادر به سرکوب زحمتکشان هستند. کارگران دیگر گول عوامفریبی های "آزادیخواهانه" بنی‌صدر را نمی‌خورند. یک کارگر می‌گوید: "بنی‌صدر رفته توسوراخ موش، کجاست حالا از ما پشتیبانی کند، اینها باهمند.

اعتصاب زحمتکشان ادامه می یابد، سرکوب آغاز میشود

استعفای عضو هیئت مدیره ...

بقیه در صفحه ۶

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۸

نامه‌های زیادی از کارخانه‌ها برای ما فرستاده می‌شود، که در تعدادی از آنها کارگران به طرح نظرات خود پرداخته و در تعدادی دیگر خواهان رهنمودهای مشخص برای پیشبرد مبارزاتشان می‌باشند. از آنجا که در اغلب این نامه‌ها مسائل و مشکلاتی مطرح شده است که به بخشی از طبقه کارگر ایران در کارخانه‌های گوناگون نیز مربوط می‌شود، از این پس به درج آنها در نشریه کار پرداخته و به آن نامه‌هائیکه مربوط به سئوالات کارگری میشود پاسخ می‌دهیم.

ما معتقدیم که کارگران خود تنها کسانی هستند که می‌توانند با علم کامل بدبختی‌هایی را که از آن رنج می‌برند برایمان شرح دهند، و بدینترتیب در تهیه و تدوین بخش کارگری نشریه کار نیز شرکت کنند. اهمیت شرکت کارگران در تدوین یک روزنامه عمدتا در این حقیقت نهفته است که این شرکت امکان تبدیل این اسلحه را در مبارزه طبقاتی ... به اسلحه‌ای برای رهائیشان ممکن میسازد. باید بکوشیم تا کارگران این روزنامه را مال خودشان بدانند.

بدینوسیله از کلیه کارگران ایران می‌خواهیم که همچون خبرنگاران کارگری در نامه‌های خود حتی جزئی‌ترین مسائل و مشکلات مبارزاتی همچون شکل گیری شوراها، برگزاری مجمع‌های عمومی و ... با ستمهائیکه به آنها روا می‌شود را بعلاوه بیان خواستها، نظریات و احساسات کارگران در مورد مسائل گوناگون جامعه، کارخانه و غیره ... را برای ما بفرستند. برای ما بنویسید که کارگران چگونه در برخورد با مسائل گوناگون پی به ماهیت دشمنانشان برده و به صفوف کارگران آگاه و پیشرو می‌پیوندند. بهمراه اینها مسلما توضیح موارد زیر در نامه‌های شما از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

۱ ـ وضع مالکیت کارخانه ـ دولتی یا خصوصی ـ نام صاحب کارخانه یا مدیر

۲ ـ نوع تولید کارخانه و حدود میزان آن ـ تعداد کارگران مرد و زن.

۳ ـ وضع انجمن اسلامی و شورای کارخانه ـ اگر وجود دارد ـ و مختصری از حرکت گذشته آنها تا امروز.

نامه زیر راجع به مسئله مسکن می‌باشد که توسط یکی از کارگران برای ما فرستاده است و عینا درج میگردد.

سلام به سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران، نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان.

رفقای فدائی: من کارگر هستم. زمانیکه دولت به اصطلاح حامی مستضعفان اعلام می‌کند، در مقابل ۵۰۰ ریال هر هر نقطه از تهران صاحب مسکن میشوید. من هم مثل هزاران کارگر دیگر که آرزوی داشتن مسکنی را دارد و ۵۰۰ تومان در بانک ملی به حساب شماره ۱۳۴۶ واریز کردم. ۱۰ ماه از این مسئله می‌گذرد و هر وقت هم به مقامات اداره مراجعه کردیم. جواب رد به ما دادند، نه از مسکن خبری است نه از پول. نمی‌دانم، میلیارد تومان پول کارگران و زحمتکشان را که با هزاران درد و رنج بدست آوردند به کجا برده‌اند.

این یکی دیگر از سیاستهای دروغ و آشکار دولت حامی سرمایه‌داران است. تا به این صورت ما کارگران و زحمتکشان را فریب بدهد ولی نمی‌داند، با این کارها روز بروز ما کارگران پی به ماهیت واقعی این دولت خواهیم برد.

رفقای فدائی: تنها خواهشم این است، این نامه را در روزنامه کار چاپ کنید، تا دیگر کارگران و زحمتکشان بدانند این دولت نمایندگان نیست ما باید خود شورا تشکیل دهیم و حق خود را از سرمایه‌داران بگیریم. همراه با این نامه مبلغ ناچیزی معادل ۱۰۰۰ ریال برای شما می‌فرستم تا در ادامه راهتان پیروز و سلامت باشید.

زنده باد کارگران و زحمتکشان
نابود باد سرمایه‌داران و حامیان آنها.

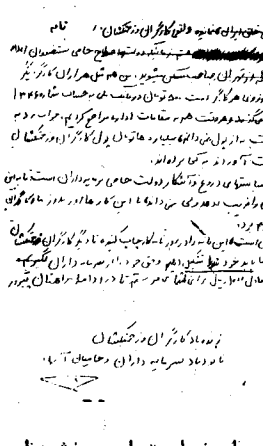

مسکن یکی از خواستهای بخش عظیمی از کارگران ایران می‌باشد. و همچنان که در نامه آمده است، کارگران باید با ایجاد شوراهای انقلابی خود برای تحقق آن مبارزه نمایند. نمایندگان واقعی کارگران باید توجه داشته باشند تا زمانیکه کارگران صاحب مسکن نشده‌اند باید هزینه مسکن هر کارگر به او پرداخت گردد. این هزینه بر مبنای اجاره‌خانه مورد نیاز هر کارگر در شهرستانهای مختلف باید تعیین شود.

****

جنبش جهانی

بقیه از صفحه ۱۱

فلسطین اشغالی، طی هفته‌های گذشته دانش‌آموزان و دانشجویان فلسطینی مورد حملات باندهای فاشیستی قرار می‌گیرند. این دارودسته‌های فاشیستی از حمایت کنیسه صهیونیستی و سایر ارگانهای اسرائیل برخوردارند و معمولا توسط خاخام‌ها یا رهبران دینی صهیونیست رهبری می‌شوند.

از جمله یکی از این باندها در شهر حیفا به رهبری خاخام نژادپرست "مائیر کاها" با رهبر جنبش نژادپرست "کاخ" خواستار اخراج دانشجویان عرب از دانشگاهها شده و رئیس یک آکادمی را تهدید کرده که اگر دانشجویان عرب طی هفته‌های اخیر اخراج نشوند مورد حملات خشونت‌آمیز دارودسته آنها قرار خواهند گرفت.

مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان فلسطین در سراسر اراضی اشغالی اینروزها بویژه در حمایت از اعتصاب معلمین انقلابی خود، مقامات حکومت نظامی صهیونیستی را به زانو درآورده است

ضدانقلابیون افغانی از امپریالیسم آمریکا اسلحه دریافت می‌کنند

ملاقات سید احمد گیلانی رهبر یکی از گروههای ارتجاعی افغانستان با یک مقام عالیرتبه آمریکائی هفته گذشته.

هفته گذشته رهبر یکی از گروههای ارتجاعی افغانستان (یکی از شش گروه اصلی تشکیل دهنده "اعطلاح نهضت اسلامی افغانستان") در وزارت خارجه آمریکا، پیرامون کمکهای امپریالیسم آمریکا، به نهضت اسلامی افغانستان با یک مقام عالی رتبه آمریکا دیدار و گفتگو بعمل آورد. از جمله مسائل مورد مذاکره تحویل موشکهای زمین به هوا جهت تقویت نهضت اسلامی می‌باشد که باید توسط آمریکائیها از طریق پاکستان در اختیار این "اصطلاح مبارزان" قرار داده شود.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

مسئله سود ویژه و جنبش انقلابی طبقه کارگر

۱

درجامعه سرمایه داری، یعنی در جامعه‌ای که سرمایه داران مالک کارخانه ها، زمین ... هستند، و استثمار فرد از فرد وجود دارد، سرمایه داران از تمام امکانات موجود استفاده می‌کنند تا این ستم و استثمار را همیشگی سازند. آنها دولت و ابزارهای سرکوب آن نظیر، ارتش، پلیس ... را در اختیار دارند، تا این نظام را حفظ کنند و هرگونه اعتراض کارگران و دیگر زحمتکشان را درهم کوبند. در این جامعه قوانینی هم که به تصویب می‌رسد، درجهت حفظ منافع سرمایه داران است تا به اصطلاح شکل قانونی به بهره‌کشی وحشیانهٔ خود از کارگران ادامه دهند تا از سوی دیگر هرچه کارگران آگاه‌تر و متشکل‌تر باشند، و هرچه مبارزهٔ طبقاتی تکامل یافته‌تر باشد، سرمایه داران از یک طرف مجبور میشوند که به کارگران امتیازاتی بدهند و از طرف دیگر می‌کوشند راههائی را پیدا کنند که از طریق فریب و تحمیق کارگران، این ستم و استثمار را همچنان حفظ کنند. قانون سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات نیز یکی از شیوه‌ها با به اصطلاح دوز و کلک های سرمایه داران است. که دو هدف را دنبال میکند، بقول معروف آنها با یک تیر دو نشان می‌زنند، اولا از یکطرف میکوشند که چنین وانمود کنند که کارگران خودشان در سود کارخانه سهیم‌اند، پس بنابراین تضادی میان آنها و سرمایه داران وجود ندارد یا بعبارت علمی‌تر سعی میکنند آشتی‌ناپذیری کارگران با سرمایه داران را آشتی پذیر جلوه دهند یعنی سازش طبقاتی را تبلیغ می‌کنند.

ثانیا با این کار شان بر میزان وشدت استثمار کارگران می‌افزایند و سود بیشتری به جیب می‌زنند. آنها برای تشویق کارگران به افزایش تولید در صدد چیزی به کارگران می‌پردازند تا به این ترتیب بر میزان سود غارتگرانهٔ خود بیافزایند.

ازآنجا که سرمایه داران هیچگاه دستمزد واقعی را به کارگران نمی‌پردازند، آنها از این قانون برای مهار زدن بر مبارزات کارگران نیز استفاده می‌کنند. سرمایه داران - حداقل دستمزدی را که باید به کارگران بپردازند به دو قسمت تقسیم می‌کنند، قسمتی را تحت عناوین مختلف سود ویژه و حق تولید، پاداش و غیره می‌پردازند تا بدلخواه خود در شرایط مختلف به حذف یا تقلیل آن بپردازند. سود ویژه در واقع جزئی از دستمزد کارگران است و سرمایه داران میخواهند با توسل به این شیوه هروقت که بخواهند این بخش از دستمزد کارگران را تقلیل داده و یا قطع کنند. اما کارگران نه تنها با مبارزات خود خواستار محدود کردن سود سرمایه داران نمی‌باشند بلکه هدف آنها از این مبارزات وجهت آیندهٔ آن باید لغو کامل سود سرمایه داران و نابودی استثمارکارگران باشد.

بعد از فرم ارضی، قانون سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات یکی از لوایح شش گانهٔ رژیم شاه بود. با طرح این قانون از یکسو سیاست افزایش تولید و بهمراه آن افزایش نرخ سود را در نظر داشت و از سوی دیگر در مقابل اعتصاب و مبارزات کارگران جهت افزایش دستمزد، دست به این اقدام زد. بعد از قیام ۲۲ بهمن و تداوم بحران اقتصادی و تشدید آن که بصورت افزایش روزافزون قیمت ها، بیکاری، کم‌یابی کالاها و مایحتاج عمومی خود را نشان میدهد، بیشترین فشار ناشی از آن بردوش کارگران و زحمتکشان سنگینی میکند. اما کارگران مبلغی را که بعنوان مزد دریافت میدارند جنان ناچیز است که کفاف ضروری‌ترین مایحتاج آنها را نمی‌کند. در این حال رژیم جمهوری اسلامی که عامی منافع سرمایه داران است میخواهد بجز آن را به خرج تودهٔ کارگران وزحمتکشان تعدیل کند. لذا به تشدید استثمار کارگران می‌پردازد، و در پی آن حمله به سطح معیشت زندگی کارگران را تشدید کرده است.

بهمین دلیل است که یکی از مسئولین ضدکارگر وزارت کار جمهوری اسلامی میگوید "این مصوبه بخاطر نجات کارخانجات و کارگاهها از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است. اگر این

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

کار نمیشد سود ویژه پرداختی به کارگران تقلیل پیدا نمیکرد بیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهدهٔ پرداخت وجوهات لازم خود برآیند".

آری، این مصوبه چیزی جز تقلیل بخشی از دستمزد کارگران نیست که تحت عنوان سود ویژه به کارگران پرداخت میشد. اندکی دقت در این استدلال کافی است تا ماهیت ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی را بخوبی آشکار کند، آنها در واقع می‌گویند تنها راه نجات سرمایه داری غارت حداقل دستمزد کارگران است. برای اینکه کارخانجات دچار رکود نشوند باید کمر کارگران زیر بار تورم و گرانی خم شود و به سیه روزی و فقر درمان ناپذیر دچار گردند. اما کارگران برای مقابله با عواقب بحران اقتصادی جز با توسل به عمل انقلابی و مبارزه جهت تحقق خواستهای اقتصادی خود راه دیگری ندارند.

درست بهمین دلیل در شرایط کنونی بحران اقتصادی، مبارزات اقتصادی کارگران حول خواستهائی از قبیل سود ویژه و طرح طبقه‌بندی مشاغل و غیره اوج بی سابقه‌ای یافته است. هر روز اعتصابات و اعتراضات در ابعاد گسترده‌ای در سطح کارخانجات شکل می‌گیرد اگرچه تحریف سود ویژه در اشکال متنوعی خواست سراسری کارگران ایران است.

اما مبارزات کارگران بگونه‌ای خودبخودی و پراکنده در سطح کارخانجات جریان دارد. هرچند بخشی از کارگران در ادامهٔ رویاروئی خود با مدیران و کارفرمایان به این نتیجه رسیده‌اند که باید مبارزهٔ خود را برعلیه رژیمی که حامی منافع سرمایه داران است سوق دهند اما فقدان اتحاد سراسری کارگران هنوز امکان مبارزه متحدانه و سازمان یافتهٔ طبقهٔ کارگر را فراهم نکرده است. تنها تلاش کمونیستها میتواند بسمت دهی، سازماندهی، و ایجاد پیوند میان عرصه‌های مختلف این مبارزات ضامن تداوم و ارتقاء آن گردد. کم توجهی به وضعیت کلی جنبش طبقهٔ کارگر و عدم درک شرایط خاصی که هر واحد تولیدی دارد به تعیین یک فرمول عام می‌انجامد که در بهترین حالت به سردرگمی کارگران وجدائی آنان از توده کارگران منتهی خواهد شد. ناتوانی از ارائهٔ یک برنامه عمل قابل لمس برای تودهٔ کارگران نشانگر درک نادرست از میزان پیوند پیشرو با کارگران، میزان توانائی پیشرو و چگونگی وحدت حرکت طبقهٔ کارگر است.

درک شرایط خاص هر واحد تولیدی، می‌تواند شناخت دقیق از امکانات آن واحد و روحیات کارگران تسهیل کند. مهمترین وجوه این شرایط خاص عبارتند از:

۱- نوع مالکیت (دولتی، خصوصی، بزرگ، کوچک) نوع تولید، میزان وابستگی.

۲- سطح آگاهی و نوع تشکل کارگران، میزان توانائی مبارزاتی، تجربهٔ سیاسی کارگران.

۳- حضور یا عدم حضور پیشروان.

ازآنجا که مبارزهٔ کارگران در هر واحد تولیدی در ارتباط تنگاتنگ با شرایط آن واحد تولیدی دارد شناخت این شرایط میتواند ما را در انتخاب روش های مناسب مبارزه جهت هدایت کارگران را آسانتر کند. کارگران پیشرو باید مبارزات کارگران را جهت خواستهای اقتصادی برانگیزند و تقویت تشکلهای شورائی کارگران پیوند زنند. آنها باید توضیح دهند که هر راه حل موثر، تنها از خود کارگران و فقط از طریق تشکلهای انقلابی آنها یعنی شورای کارخانه عملی است. کارگران در این مبارزه از طریق فعالیت شوراها در می‌یابند که تنها با انتخاب نمایندگان واقعی خود قادر به پیشبرد امر مبارزه هستند و آنها در جریان مبارزه، نمایندگان سازشکار را باز خواهند شناخت و دیگر فریب وعده وعیدهای آنها را نخواهند خورد. اما با توجه به وضعیت کنونی مبارزاتی طبقه کارگر، کارگران پیشرو باید امر تشکیل هیئت تحقیق را تبلیغ کنند. این هیئت وظیفه دارد که با دخالت در امر تولید و حسابرسی بر امور مالی و تعیین خرید و فروش، میزان سود کارخانه را تعیین نماید. سپس به محاسبه سود ویژه و توزیع آن بین کارگران بپردازد. بدیهی است هرجا که شورای انقلابی امر هدایت مبارزات کارگران را برعهده دارد خود باید امر تشکیل و هدایت، هیئت تحقیق را به پیش برد. درغیر اینصورت کارگران باید در یک مجمع عمومی هیئتی از کارگران آگاه و مبارز را انتخاب نمایند. بدیهی است این هیئت مبارزات کارگران را جهت وصول سود ویژه نیز به پیش خواهد برد●

۲ اعتصابات و اعتراضات کارگری برای دریافت سود ویژه

• اعتصاب در کارخانجات پارس الکتریک

سودویژه از مدتها پیش یکی از خواستهای برحق کارگران این کارخانجات بود. اما مدیران لیبرال با همکاری نمایندگان مکتبی سازشکار شورا حاضر به پرداخت سودویژه به کارگران نبودند از روز دوشنبه ۱۲ بهمن اعتصاب از قسمت بجاری شروع شد، سپس کارگران هرحل تولیدی با اعلام همبستگی دست از کار کشیدند. کارگران یکپارچه خواستار تشکیل مجمع عمومی شدند اما نمایندگان سازشکار شوراتن به این کار نمی‌دادند از صبح روز سه‌شنبه کارگران واحد گرج پارس الکتریک به حمایت از کارگران اعتصابی واحد تهران دست از کار کشیدند در این روز عده‌ای از کارگران نامه‌ای به دفتر بنی‌صدر نوشته و به قصد جمع‌کردن امضاء به میان کارگران می‌برند بحث زیادی برسر چگونگی این مسئله بین کارگران درمی‌گیرد که بیشتر این صحبت ها حول افشاگری علیه اعمال ضدکارگری بنی‌صدر دور می‌زد کارگران طوماری را که بیش از ۲۰ نفر امضاء نکرده بودند پاره کردند و به این کار تن ندادند، ساعت ۲/۵ مجمع عمومی تشکیل شد یکی از نمایندگان شورا که درضمن عضو انجمن اسلامی نیز می‌باشد صحبت را آغاز کرد قصد او منحرف کردن مبارزه کارگران و درهم شکستن اتحاد قدرتمند آنان بود اما کارگران او را هو کردند و از بالای تریبون پائین کشیدند پس از آن عده‌ای از کارگران به سخنرانی پرداختند آنها ضمن پشتیبانی قاطع از ادامه اعتصاب چگونگی پیش بردن امر مبارزه را بررسی کردند هرکدام راه‌حلهای پیشنهادی خود را مطرح کردند کارگران متحد خواستار رسیدگی امور مالی کارخانه، تعیین سود و منفعت کارخانه در سال جاری بودند آنها تصمیم گرفتند در صورتیکه به خواست هایشان پاسخ مثبت ندهند از خروج تولید جلوگیری کنند و با تشکیل شرکت تعاونی، خود مستقلا اقدام به توزیع و فروش تولیدات کارخانه بنمایند در پایان مجمع عمومی کارگران تصمیم می‌گیرد روز شنبه ۱۸ بهمن مجمع عمومی مشترکی بین تمام کارگران کارخانجات پارس الکتریک برگزار کنند تا به تصمیم‌گیری واحد برسند اعتصاب تا روز شنبه ادامه پیدا می‌کند اما در روز شنبه مدیران لیبرال و نمایندگان سازشکار شورا از تشکیل مجمع عمومی جلوگیری بعمل می‌آورند روز یکشنبه نیز کارگران در اعتصاب بسر می‌برند در پایان روز دوشنبه کارگران واحد گرج اقدام به تشکیل هیئت نظارت می‌کنند تا ضامن رهبری مبارزات کارگران امر حسابرسی امور مالی کارخانه و تعیین سود و منفعت کارخانه و توزیع سود ویژه را پیش برند کارگران مصمم‌اند مبارزات متحد و یکپارچه خود را تا رسیدن به خواستهایشان ادامه دهند

• اعتصاب در باطری سازی

مبارزات کارگران باطری سازی ابتدا با اعتصاب یکروزه و سپس با جلوگیری از خروج تولید جهت گرفتن سودویژه ادامه دارد روز شنبه ۱۱ بهمن ابتدا کارگران شعبه جلد دست از کار کشیدند کارگران سایر قسمتها از اعتصاب کارگران شعبه جلد با خبر گشته و اعلام همبستگی می‌کنند مدیر عامل در مقابل خواست کارگران جواب سر بالا می‌دهد از روز یکشنبه کارگران متحدا تصمیم می‌گیرند که به تولید ادامه داده ولی تا رسیدن به خواست های خویش از خارج شدن تولیدات کارخانه جلوگیری کنند چندکامیون روز یکشنبه برای خارج کردن تولید به کارخانه می‌آیند کارگران اجازه خروج تولید را به آنها نمی‌دهند. روز دوشنبه نیز مبارزات کارگران ادامه می‌یابد یکی از کارگران در سالن ناهارخوری سخنرانی می‌کند کارگران خواست های خود را مطرح می‌کنند، خواستهای مهم کارگران عبارت از: تشکیل شورا، سودویژه، تعطیل پنجشنبه می‌یابد یک روحانی برای سخنرانی به کارخانه می‌آید و می‌گوید: "سودویژه را نمی‌توانیم بپردازیم کارگران سالن ناهارخوری را ترک می‌کنند. روز

←

سودویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است باید گردد

اعتصاب و اعتراضات...

سه‌شنبه نمایندگان دولتی، یکی پس از دیگری برای سخنرانی به کارخانه می‌آیند قصدشان درهم‌شکستن اتحاد کارگران است اما کارگران همچنان تا روز پنجشنبه از خروج تولید جلوگیری می‌کنند و مصمم‌اند تا رسیدن به خواستهای برحق خود متحد و یکپارچه مبارزه را ادامه دهند.

• اعتصاب ده روزه کارگران شرکت هومن

شرکت هومن یکی از کارخانجات گروه صنعتی ملی است کارگران این شرکت برای دریافت پاداش تولید (سودویژه) دست به اعتصاب زدند این اعتصاب با شرکت و اتحاد یکپارچه تمام کارگران شروع شد مدیر عامل گروه از پاسخ دادن به خواست کارگران طفره رفت اعتصاب به مدت ده روز در این واحد تولیدی ادامه داشت در پایان ده روز، جلسه‌ای به اتفاق شورای کارخانه و شورای مرکزی گروه با مسئولین وزارت کار برگزار شد. قرار شد که کارگران به تولید ادامه دهند مدیر عامل و مسئولین دولتی تا دو هفته دیگر باید پاسخ قطعی به کارگران بدهند در غیر این صورت کارگران اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

• اعتصاب در شرکت کفش صنعتی تلف

این شرکت نیز یکی از واحدهای تولیدی گروه صنعتی ملی است مبارزه کارگران این شرکت برای دریافت پاداش تولیدی از مدتها پیش ادامه داشت در چند روز گذشته با اعتصاب کارگران به اوج خود رسید در جریان اعتصاب تمامی کارگران شرکت با اتحاد یکپارچه خویش با دیکر قدرت بیکران خود را بنمایش گذاشتند اعتصاب یکروزونیم ادامه پیدا کرد مدیر عامل در مقابل اتحاد کارگران بزانو در آمد و قول داد پاداش تولید کارگران را بپردازد بدین ترتیب کارگران نشان دادند که با قدرت اتحاد خود قادرند سرمایه‌داران را یک گام دیگر به عقب نشینی وادارند.

۳ • مبارزات کارگران ارج

مبارزات کارگران ارج برای گرفتن خواستهای خود از جمله سود ویژه مدتهاست ادامه دارد. تاکنون مدیران دولتی و نمایندگان سازشکار شورا متحدا در مقابل خواست کارگران قرار گرفته‌اند، در چند روز گذشته کارگران قسمت مونتاژ با جمع‌کردن امضاء از قسمت خودخواهان پرداخت سودویژه، حق تولید و غیره شده‌اند. تمام قسمتهای کارخانه از این حرکت استقبال کردند کارگران متحدا خواستار تقسیم ۱۵ میلیون تومان سود سال گذشته و پرداختن سودویژه کارگران در سال جاری هستند.

• مبارزات کارگران فیلکو

کارگران فیلکو مدتی است پیگیرانه به مبارزه جهت گرفتن سودویژه و سایر خواستهای خود دست زده‌اند کارگران با تشکیل دو مجمع عمومی دست به افشای هیئت مدیره و نمایندگان سازشکار شورا زدند کارگران متحدا در مجمع عمومی خواهان دریافت سود ویژه شدند مبارزه کارگران، هیئت مدیره و نمایندگان سازشکار شورا را یک گام دیگر به عقب نشینی وادار کرد آنها مجبور شدند جهت حق تولید را به کارگران بپردازند در پایان دومین مجمع عمومی کارگران با قطعنامه‌ای خواستار پاسخ گوئی به خواست های خود شدند.

بخشی از قطعنامه کارگران بشرح زیر است:

۱- ما خواهان پرداخت ۲۵ میلیون سود سال ۵۸ که دسترنج ما کارگران است می‌باشیم.

۲- چون حقوق ما کارگران را دو قسمت کرده‌اند بعنوان حقوق ثابت می‌دهند و برای استثمار بیشتر کارگران قسمت دوم را بعنوان حق تولید و بهره‌وری پرداخت می‌کنند ما خواستار یک کاسه شدن حقوق خود می‌باشیم تا در مواردی بیماری، ازکارافتادگی، سانحه و بازنشستگی دچار زیان نشدیم.

۳- ما کارگران قاطعانه خواستار پرداخت سودویژه هستیم و معتقدیم که سودویژه قسمتی از مزد ما می‌باشد.

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۱۰۰ صفحه ۱۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تاکنون یکی از کمبودهای نشریه کار، فقدان اخبار و گزارشهای مربوط به جنبش جهانی طبقه کارگر، و جنبش های رهائی بخش بوده است. انتقادات متعددی در این زمینه از سوی رفقای هوادار به نشریه رسید، بمنظور جبران این کمبود، تصمیم گرفته شد که از این پس یک ستون نشریه به اخبار و گزارش های مربوط به جنبش جهانی طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش در کشور های تحت سلطه و وابسته اختصاص یابد. البته کمترین تردیدی نیست که بنا توجه به کمبود منابع بویژه محدودیت هائی که رژیم بر سر راه ارسال نشریات سازمانهای انقلابی و مترقی از خارج از کشور به ایران پدید آورده است تا رسائی ها و اشکالاتی در این زمینه وجود خواهد داشت. اما هیئت تحریریه کار تلاش خواهد کرد که تا حد ممکن این نواقص را مرتفع سازد. بدین لحاظ ضروریست که رفقای هوادار سازمان نیز انتقادات و پیشنهادات خود را در این زمینه برای ما بفرستند.

• مبارزات انقلابی در تایلند

جنگلهای شمال بانکوک در هفته گذشته شاهد یکی از بزرگترین نبرد های میان کمونیستهای انقلابی تایلند و ارتش مزدور حامی سرمایه داری در این کشور بود. مقاومت و پایداری انقلابیون در برابر نیروهای سرکوبگر، بحدی بود که خبرگزاری فرانسه از این درگیری بعنوان یکی از عمده ترین حملات دولت در تاریخ تایلند یاد میکند. درگیریهای اخیر از روز چهارشنبه هفته گذشته آغاز شد و چریکها ضمن دفاع از مواضع و سنگرهای خود همچنین پیگیرانه میکوشند یک موضع مستحکم را در منطقه کوهستانی لاشی در شمال بانکوک تسخیر نمایند. این انقلابیون که به ساده ترین جنگ افزارها مسلحند از سوی زحمتکشان تایلندی که همچون سایر خلقهای زحمتکش هندوچین حامی مطمئن و پایدار انقلاب میباشند پشتیبانی میشوند. رژیم مزدور در حمله اخیر خود به مواضع کمونیستها بیش از ۲۰۰۰ ارتشی و تفنگدار را بکار گرفته و با هواپیماهای بمب افکن و هلی کوپتر های آمریکائی آنها را پشتیبانی میکند.

• افزایش بیکاری در انگلیس

بحران سرمایه داری امپریالیستی که اینک بشکل مزمنی گریبانگیر کل سیستم جهانی سرمایه داری گردیده است اثرات ویران کننده خود را هر روز بیشتر نشان میدهد. سرمایه داران جهانخوار که بدنبال

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش

کسب سود هرچه بیشتر هستند اکنون برای مقابله با کاهش نرخ سود، دست به تعطیل و یا کاهش تولید در برخی از بخشهای تولیدی و در نتیجه اخراج کارگران زده اند تا زیانهای خویش را بدینوسیله بحساب زحمتکشان جبران نمایند. در این رابطه میزان بیکاری در کشورهای امپریالیستی گرایش صعودی دارد، و هر روز گروه فراوانی به اردوی بیکاران افزوده میشود.

هفته پیش اداره استخدام انگلستان اعلام کرد که تعداد بیکاران در این کشور در ماه جاری ۴۴۰۰ نفر افزایش داشته است و تعداد کل بیکاران به رقم ۲/۴۶۳/۲۹۴ رسیده است که ۱۰/۲ - درصد کل نیروی کار محسوب میشود.

طبق همین گزارش ایرلند شمالی که در یازده سال گذشته شاهد مبارزات استقلال طلبانه بوده است با لاترین نرخ بیکاری را در اروپا دارد این رقم ۱۷/۳ درصد را تشکیل میدهد. نرخ بیکاری در سایر کشورهای اروپائی بشرح زیر است.

بلژیک	۱۳/۲ درصد
جمهوری ایرلند	۱۱/۸ درصد
فرانسه	۸/۳ درصد
ایتالیا	۷/۶ درصد
دانمارک	۷/۳ درصد

• پیروزیهای انقلابیون گواتمالا و شیوه های فاشیستی رژیم دست نشانده آمریکا.

هفته گذشته چریکهای انقلابی گواتمالا روستای "دوپوئیلونور" را در ۹۸ کیلومتری گواتمالا سیتی پایتخت گواتمالا به کنترل خویش درآوردند.

رژیم مزدور حاکم بر گواتمالا که به دستور اربابان آمریکائی خود این کشور را به مرکز دسیسه های ضدانقلابی در آمریکای لاتین جهت توطئه علیه خلقهای مبارز آن منطقه تبدیل کرده و از جمله برای دار و دسته طرفداران دیکتاتور سرنگون شده نیکاراگوئه سوموزا، اردوگاههای تعلیمات خرابکارانه تاسیس کرده است. اکنون خود در داخل با موج جدید جنبش انقلابی با مسئله سرنگونی روبروست.

مبارزات انقلابی در گواتمالا هر روزه گامهای جدیدی به پیش در جهت سرنگونی رژیم حاکم برمیدارد و حکام مرتجع و دست نشانده آمریکا که از سرکوب جنبش انقلابی خلق توسط ارتش و سایر نیروهای نظامی رسمی مایوس شده اند به شیوه سایر مرتجعین در جهان سرمایه داری دست به ایجاد و تقویت باندهای سیاه در این کشور علیه نیروهای انقلابی زده اند. این باندها طبق معمول از میان گروههای راستگرا انتخاب شده و عهده دار مقابله تروریستی با رشد جنبش انقلابی هستند. هفته گذشته این باندهای ارتجاعی با تروراسکارآرتورشا عرچپ گواتمالائی و یک دانشجوی انقلابی در دانشگاه سن کارلوس جنایتهای جدیدی را مرتکب شدند.

• جنبش خلق السالوادور همچنان به پیش میتازد و رژیم مزدور در آستانه سقوط قرار دارد.

امپریالیسم آمریکا برای توجیه دخالت های جنایتکارانه اش در تقویت رژیم وابسته و ضدانقلابی حاکم بر السالوادور طی انتشار یکسری اسناد و گزارشات ساختگی ادعا کرده است که کشورهای سوسیالیستی و از جمله کوبای انقلابی برای پارتیزانهای السالوادور جنگ افزار ارسال میدارند.

این حیله قدیمی و توجیه جنایتکارانه، هفته پیش توسط انقلابیون السالوادور برای جهانیان افشاء گردید. جنبش انقلابی السالوادور طی انتشار بیانیه ای ضمن تاکید بر همبستگی انترناسیونالیستی با کلیه جنبشهای انقلابی و کشورهای سوسیالیستی جهان قاطعانه اعلام داشت که اسناد منتشر شده از سوی دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستها تماما جعلی است. انقلابیون السالوادور با غرور از پیروزیهای خویش سخن گفته و از همه مبارزان ضدامپریالیست در سراسر جهان خواسته اند که از جنبش انقلابی آنها حمایت بعمل آورده و در خنثی کردن توطئه های امپریالیستها آنها را یاری نمایند.

• حملات باندهای فاشیستی صهیونیستی به دانش آموزان و دانشجویان فلسطینی.

بنا به گزارش خبرگزاری وفا از

بقیه در صفحه ۸

مبارزهٔ ضدامپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

جنبش کارگری

پیش بسوی تشکیل . . .

پاسخ دهد این مجمع عمومی که با شرکت نمایندگان و کارکنان نیروگاه و پست شهریار – نیروگاه و پست بعثت (فرح آباد سابق) – نیروگاه و پست طرشت – پست ازگل – دیسپاچینگ نیروگاه ری و . . . تشکیل گردید، عملا به اجتماعی انقلابی و پرشور تبدیل شد و سرانجام کارکنان با صدور قطعنامه ای بشرح زیر با موفقیت به مجمع عمومی پایان دادند: ۱– هر گونه تصمیم گیری در مورد منافع کارکنان بدون حضور مستقیم نمایندگان منتخب شوراهای کارکنان از درجه اعتبار ساقط است.

۲ – نمایندگان کارکنان همه قسمتهای مختلف باید در تدوین طرح طبقه بندی مشاغل شرکت داشته باشند.

کارکنان سپس از میان نمایندگان شوراها "هیئت منتخب" را جهت مذاکره با هیئت مدیره شرکت انتخاب کردند و بدین ترتیب شوراهای واقعی کارکنان یک قدم به پیش بسوی تشکیل شورای سراسری توانیر برداشتند.

شورای بوتان باید در جهت نظارت و دخالت کارگری گام بردارد.

اخیرا شورای کارخانه بوتان از کارفرما میخواهد که دو نفر از اعضا ی شورا با انتخاب شورا در هیئت مدیره شرکت نموده و چکهای صادره نیز با امضای این نمایندگان باشد." در مقابل کارفرمای کارخانه که اکنون در برابر شورا، که متکی به نیروی اتحاد کارگران است، خود را ناتوان می بیند پاسخگوئی را به مجمع سهامداران موکول میکند. کارفرما با دیگر سهامداران به مشورت پرداخته و جلسه ای با شرکت آنها و اعضای شورا تشکیل میشود. آنها در جلسه مذکور چاپلوسانه با نمایندگان کارگران برخورد میکنند، از افزایش تولید و ورشکستگی کارخانه صحبت میکنند و بالاخره در مورد درخواست شورا میگویند "چون شورا هنوز از طرف دولت و وزارت کار قانونی نشده از نظر حقوقی نمیتواند در جلسات هیئت مدیره شرکت و در مورد چکها حق امضا داشته باشد. شورا باید فعلا صبر کند تا وضع شوراها روشن و قانونی شود."

شوراهای انقلابی کارخانه ها در شرایط فعلی هرچه بیشتر نظارت و دخالت کارگری را در دستور قرار داده اند. کارگران میروند که از این راه با نظارت و کنترل اعمال مدیریت، رسیدگی به امور مالی و کنترل حسابرسی نظارت و دخالت در تهیه مواد خام و بطور کلی نظارت بر تولید فصل نوینی از مبارزات را بگشایند. آنها میروند که هر دم بر تجربه مبارزاتی خود بیافزایند، آگاه تر شوند و با پی بردن به فوت و فن امور برداشتن گامهای بلندتر را بسوی اهداف بالاتر آغاز کنند.

اما سرمایه داران و عوامل شان در مقابل این خواست انقلابی کارگران میکوشند بهر طریق و بهر بهانه ای مقاومت نمایند. چرا که کارگران با تحقق نظارت و دخالت خود در امور کارخانه در حقیقت دخالت در "نظم مطلوب سرمایه داری" و تغییر آنرا به نفع خویش مورد نظر دارند.

صاحبان کارخانه بوتان نیز سعی می کنند با توسل به "قانونی نبودن شوراها" در چهارچوب قوانین سرمایه داری، جلوی حرکت شورا را سد کرده و آنرا به آینده موکول نمایند. سیاستهای حاکمیت در برابر شورا و تجربه کارگران بخوبی نمایانگر این واقعیت است پس از قیام حاکمیت تمام توان خویش را بکار گرفت تا شوراها را نابود سازد و تنها آنگاه که از اینکار عاجز ماند، کوشید تا شوراها را از محتوای انقلابی شان تهی سازد. بقای شوراها تاکنون در نتیجه وجود بحران عظیم اقتصادی، ناتوانی بورژوازی از تثبیت کامل و نیز روند مبارزات اعتلایابنده کارگران و دیگر زحمتکشان بوده است. کلیه قوانین نظام سرمایه داری پاسدار ادامه استثمار کارگران، غارت زحمتکشان و ستم بر خلقها میباشد. و از آنجا که شورای انقلابی کارخانه در ادامه استثمار خلل ایجاد کرده و آنرا اساسا مورد تهدید قرار میدهد، نمی تواند تابع "قانون" سرمایه داری باشد. شوراهای کارخانه در یک جامعه سرمایه داری تنها بر اراده کارگران استوار بوده و تابع منافع و خواستهای آنان هستند. بدین دلیل شوراها در حرکات شان هیچ نیازی به "قانونی بودن" ندارند.

اما اکنون نظارت و دخالت کارگری شورای کارخانه چگونه صورت میگیرد. آیا باید دو نماینده شورا عضو هیئت مدیره شوند؟ آیا با شرکت یک یا چند کارگر در مدیریت هدف و خواست شورای انقلابی برآورده میشود؟

مدیریت بمثابه یک سیستم وظیفه حفظ نظم تولیدی را بعهده دارد. این سیستم آنچنان سازمان یافته که تا هنگامی که پابرجاست، منافع اقلیت جامعه یعنی سرمایه داران تامین میشود، چنانکه کارگران خود در تجربه می بینند که تعویض مدیر، آمدن این یا رفتن آن و حتی تغییر شکل آن در کارکرد مدیریت تاثیر اساسی پدید نمی آورد. بعبارتی تفاوتی ندارد که چه کسی درون سیستم مدیریت . . . بر این پایه اینکه یک یا چند کارگر در چهارچوب سیستم سرمایه داری عضو هیئت مدیره شوند، نمی توانند بیان کننده نظارت و دخالت کارگری باشد. در اینصورت کارگران تنها به زائده مدیریت بدل گشته و عملا شریک و مجری سیاستهای ضدکارگری آن میشوند. تنها تغییر سیستم مدیریت و حرکت در جهت انهدام آن سیاست پرولتاریای انقلابی است.

در شرایط کنونی نمایندگان شوراهای انقلابی کارخانه نبایستی به عضویت مدیریت درآیند. آنها باید در هیئت مدیره نمایندگانی داشته باشند، این نمایندگان نه بشکل عضو هیئت مدیره، بلکه همچنان بعنوان نماینده شورا و بشکل ناظر عمل می نمایند. نمایندگان موظفند تمام مسائل درون مدیریت را به اطلاع شورا و کارگران رسانده و درباره آن تصمیم گیری نمایند. بعبارتی آنها نبایستی در تصمیم گیری مدیریت شرکت نمایند، بلکه تنها تصمیمات شورا و کارگران را به اطلاع مدیریت رسانده و بر اجرایشان تاکید میکنند. بدیهی است که شورا باید برای حفظ تماس دائم خود با کارگران، مطلع ساختن آنان از مسائل از طریق دادن اطلاعیه ها و آگاهی از خواستها و نظرات آنان مجامع عمومی را بطور مداوم تشکیل دهند. در موارد ی نیز نمایندگان باید با کشاندن مدیر به مجمع عمومی کارگران و بازخواست وی اعمال ضد کارگری او را افشا نمایند.

با توجه به نکات بالا اکنون شورای کارخانه بوتان و هر شورای دیگری اگر بخواهد تامین کننده خواستهای کارگران در شرایط فعلی باشد، باید به افشای سیاستها و توطئه های سرمایه داران پرداخته و با اتکاء به نیروی متحد و متشکل کارگران قاطعانه نظارت و دخالت را در تمام امور جاری کارخانه جامه عمل بپوشانند. شوراهای کارخانه باید نظارت بر تولید را با کنترل اعمال مدیریت، کنترل حسابرسی، نظارت بر امور مالی، تهیه مواد خام و . . . به انجام رسانند.

وظیفه کارگران پیشرو است که با بردن این ایده بمیان کارگران و تبلیغ وسیع آن، کارگران را به ضرورت نظارت و دخالت کارگری واقف ساخته و شوراها را بدان سمت هدایت نمایند ●

خبری کوتاه از ترکمن صحرا

روز بیست و دوم بهمن ماه رجائی نخست وزیر درحالیکه نظامیان و پاسداران زیادی او را اسکورت میکردند برای ایراد سخنرانی وارد روستای "توجمز" شد. هنوز چند لحظه ای نگذشته بود که چندین نفر از زمینداران بزرگ بخش کلاله اطراف او را گرفتند. برب ن آخوند، عدا بوردی قاری سخنگوی زمینداران، بیغائی زمیندار و ثروتمند شهر کلاله و شخص با نفوذ ارگانهای دولت اسلامی و چندین نفر دیگر از حمله این افراد بودند. در این لحظه دهقانان با طرح شعارهای زیر اعتراض خود را نشان میدادند "دهقان پیروز است، فئودال نابود است" "ما خواستار برای بند "ج" هستیم". آنها از مشاهده رفئودالها با رجائی سخت ناراحت شده و اعتراض خود را با این شعارها نمایش میدادند

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۱۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

طرح یک ضرورت و یک دستاورد (مسائل تشکیلاتی ـ مبارزه تبلیغاتی)

۱ـ طرح یک ضرورت

خطر همیشه موجودی که جنبش کمونیستی ما را تهدید می کند، ضعف شدید تئوریک و کمبود تجربه مبارزاتی و بخصوص تشکیلاتی است. اگر با این وضع، شرایط واقعی جنبش کمونیستی را که انتقال از مرحله محفل ـ گروه ها به اشکال عالیتر سازماندهی و تشکیلات است، بیفزائیم، هرچه بیشتر به ضرورت تدوین و طرح مسائل تشکیلاتی در سطح جنبش می رسیم. واقعیت این است که دیگر جنبش ما دارد مرحله مبارزه محلی و تفننی را پشت سر میگذراند، و دیگر ارتباطات فوق العاده زیاد شخصی و روابط محفلی و بهمین ترتیب "شیوه های آموزش محفلی" چاره ساز مشکل کنونی ما نیست. دیگر آنقدر نیروهای سیاسی آزاد از قید و توهمات اولیه و مشتاق مبارزه زیاد است که "شیوه محفلی آموزش" نمی تواند پاسخگوی نیازهای آنها (چه سیاسی. ایدئولوژیک و چه تشکیلاتی) باشد. دیگر تبلیغ و ترویج شفاهی و انتقال شفاهی تجربیات و دستاوردها در محفل ها و از طریق حوزه ها نمی تواند نیاز این همه مبارز پرشور را برآورد سازد و باید که جنبش کمونیستی ما به جنبد و جهشی دیگر بکند و بضرورت زمان هرچه بیشتر پاسخ بدهد و بفهمد که

"... به مبرمترین مسئله جنبش ما، بنقطه حساس آن" رسیده است و "تشکیلات، بهبود تشکیلات و انضباط انقلابی و تکمیل تکنیک زیرزمینی ضرورت مطلق دارد." (یک مسئله مبرم از سه مقاله از لنین صفحه ۴۷ انتشارات و اباطک) دیگر "ارگانهای فعلی حزب (ارگان نهادها و گروه ها و همینطور هم روزنامه ها) باید بمسائل تشکیلاتی توجه بیشتری نموده و از این لحاظ بر گروههای محلی تاثیر بگذارند..." (همان جا) واقعیت اینست که تا کنون "روزنامه های سوسیال دموکراتیک ما معمولا بمسائل تشکیلاتی توجه بی اندازه ناچیزی مبذول" داشته اند (همان جا) و این آن ضعف اساسی است که باید برطرف شود.

صادقانه باید اعتراف کنیم که ما نیز از این ضعف اساسی و مرحله ای جنبش کاملا مبری نبوده ایم. اگرچه ما از همان ابتدای جدائی مان از اپورتونیسم و دنباله روی از توده ها با الهام از رهنمودهای لنین کبیر بسوی تدوین مسائل تشکیلاتی و طرح آن در کار سمتگیری کردیم و "هسته های سرخ کارخانه..." "سازمانهای دموکراتیک توده یی" "تلفیق کار مخفی و علنی" و غیره از جمله دستاوردهای ما در این دوره بوده است. اما پیگیری لازم را نداشته ایم و بمسئولیت بزرگی که جنبش در مقابل سازمان ما گذاشته بود، نپرداخته ایم.

اما تصور می کنیم که هنوز هم دیر نشده است و بهمین دلیل خواهیم کوشید از این ببعد با جمع بندی تجربیات و تدوین مسائل و مشکلات تشکیلاتی، آنها را در سطح جنبش منعکس نمائیم تا مبارزین و فعالین هرچه بیشتری (چه در سازمان خودمان و چه در سازمانهای انقلابی دیگر) در جریان آنها قرار گیرند و با برخورد فعال خود (اگرچه تا کنون کوچکترین اثری از آن را ندیده ایم!) آنها را غنی بخشند و بدین طریق بر ضعف اساسی جنبش کمونیستی هرچه بیشتر فائق آئیم.

۲ـ طرح یک دستاورد

حقیقت آنستکه اگر چشمانمان را بر روی واقعیت نبندیم (البته بدیهی است که از اپورتونیستها و خائنین بطبقه کارگر و آستان بوسان بورژوازی چنین انتظاری بیمورد است) برگزاری مراسم بزرگداشت سالروز قیام خلق و رستاخیز سیاهکل یک موفقیت بزرگ برای سازمان ما و جنبش کمونیستی ایران بود. اما آنچه در این جا مورد نظر ماست این نکته نیست. بلکه مسئله مورد توجه ما بررسی یکی از علل موفقیت سازمان در بسیج این جمعیت انبوه در این روز تاریخی بود. مسئله اینست که چرا علیرغم توطئه سکوت دولت جمهوری اسلامی و تلاش فالانژها و سایر نیروهای سرکوب دولتی برای جلوگیری از هرگونه تبلیغ و زدودن هرگونه اثر تبلیغی سازمان بر در و دیوار شهرها باز هم سازمان بعنوان نیروئی رزمنده و مبارز در همه جا مطرح شد و دولت را وادار است که توطئه سکوت خود را بشکند و انجام مراسم راهپیمائی را اعلام کند.

از موفقیت و دستاورد عظیم سازمانی ما در این حرکت بهره گرفتن و بکار بستن این رهنمود کمینترن بود که:

"هنگامیکه حزب تصمیم میگیرد که از یک موقعیت خاص استفاده نماید، باید سعی در استفاده از" "قوای تمام اعضا حزب برای این مبارزه تبلیغاتی بنماید" (تاکید از ماست. اصول سازماندهی حزب). حقیقت آنستکه علیرغم کوشش چندین ماهه در جهت تدوین برنامه و تبلیغ و ترویج درونی آن، در هفته های اول بهمن ماه عمده نیروهای سازمان (کادرها، اعضا و هواداران) با تمام ایمان و پشتکار و پیگیری انقلابیشان صرف تدارک برگزاری مراسم گردید. شاید باور کردنی نباشد که رفقا نیمه های شب پس از خستگی شدید حاصل از پخش اعلامیه و تراکت در خرابه یی و یا زیر سقفی ساعتی استراحت میکردند و مجددا با تمام شور و شوق انقلابیشان شعارنویسی را آغاز می کردند. هرگز این خاطره را فراموش نخواهیم کرد که رفیق "جهان" این فدائی خلق و این انسان طراز نوین، صبح دو سه روز قبل از مراسم وقتی که برای نظارت و بازرسی مستقیم کارها سرقرار حاضر شده بود، با شوق و ذوق فراوان تعریف کرد که سرتاسر شب را با تفاق رفقایش رنگ در دست بشعارنویسی در مناطق جنوب شهر گذرانده است و در پاسخ سئوال انتقادآمیز یکی از رفقا که مگر مسئولیت تو این بود؟ در حالیکه می خندید پاسخ داد، این جور روزها مسئولیت محدود معنایی ندارد. همین ما باید شعار بنویسیم" بواقع که از موفقیت سازمان ما در ۱۷ بهمن چیزی جز اختصاص عمده قوای اعضا و هواداران سازمان حول این مبارزه تبلیغاتی نبود. و این دستاورد عظیم پرولتاریای جهانی بود که در این روز در تجربه ما نیز ارزش والای خود را نشان داد و رهنمودی کسب برای تمام انقلابیون کمونیستی که برای تحقق آرمان پرولتاریا در کارخانه و مزرعه، در مدرسه و دانشگاه و در هر کوی و برزنی میکوشند و امر تبلیغ و ترویج سوسیالیسم علمی را وظیفه انقلابی خود میدانند●

نامه یکی از زحمتکشان "زیباشهر" قرچک ورامین به "کار"

نامه به نشریه کار

بدبختی های زیادی گریبان گیر مردم اینجاست و هیچکس هم به این مسائل رسیدگی نمیکند و حتی هیچکس حاضر نیست پای درد و دل این مردم بنشیند و خواستهای آنها را در روزنامه منعکس کند، مثل اینکه اینجا جزء تهران که هیچ، جزء ایران هم نیست. هر روز مردم را به یک شکلی تلکه میکنند من لیستی از پولهایی را که از مردم گرفته اند برایتان می نویسم خودتان هم میتوانید بیائید و تحقیق کنید. هر خانواده ای باید ۱۵ تومان برای تابلوی شناسائی محل پول بدهد، ۱۵ تومان هر ماه پول آب از مردم میگیرند و بازکیها هم شهرداری صد تومان قبض صادر کرده که مردم باید پول آب بدهند مردم به شهرداری رفته و گفته اند هر ماه پول آب را شورای محلی از ما گرفته، اینهم قبضش. شهرداری میگوید میخواستید ندهید، مردم به شورای محل میگویند شهرداری چنین قبضی صادر کرده، ما چه کنیم، شورای محل میگویند شهرداری غلط کرده، پول قبض را ندهید. (حالا اینجا مردم بیچاره چه کنند اینرا نمیدانم).

هر خانواده ای نفری صد تومان بخاطر اینکه پمپ آب توی چاه افتاده باید پول بدهند. از هر خانواده ای ۲۰ تومان بخاطر کندن جوی آب گرفته اند پارسال از هر خانواده ای ۲۰۰ یا ۴۰۰ تومان بخاطر اینکه میخواهند لوله های پلاستیکی آب را عوض کرده و آهنی کنند پول گرفته اند و از پارسال تا بحال که این لوله ها خریداری شده، همینطور بغل کوچه افتاده است●

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۱۴

رجائی بازهم زحمتکشان را به "صبر انقلابی" دعوت کرد!

آقای رجائی نخست وزیر در شب ۳ اسفندماه "در رابطه با مسائلی چون گرانی و تورم و جنگ" پیامی از تلویزیون خطاب به مردم فرستاد که در بررسی آن میتوان به خوبی سیاستهای ضدمردمی دولت و حمایت بی شائبه آن از سرمایه داران را روشن ساخت.

آقای رجائی در سرلوحه سخنرانی خود برطبق رسم معمول سردمداران رژیم، "تمامی" اقشار و طبقات "جامعه را به صبر (انقلابی!) دعوت نمود. او در خطاب به کارگران گفت: "کارگران ما که همیشه در ایام عید از پاداش بهر خوردار بودند در این دوره با توجه به هزینه های سرسام آور جنگ ... یک کمی صبر میکنند ... با در پرداخت مقدار پاداش آخر سال دستمان بسته است و آنچه که باید و شاید نتوانستیم به برادران کارگر برسیم ..." رجائی در عوض پرداختن عیدی و پاداش، از کارگران خواست که تا میتوانند تولید کنند و سطح تولید را بالا ببرند و بدانند که انقلاب ما برای مادیات پست و شکم نبوده است. اما رجائی به کارگران و زحمتکشان نگفت و هیچگاه هم نمیگوید که اگر دست دولت بسته است چگونه اینهمه سلاح و مهمات خریداری میشود اگر دست دولت بسته است چگونه تمامی طلبهای آمریکا را یکجا و نقد آنهم جلو جلو به او پرداخت کرده است. اگر دست دولت بسته است چگونه بنی‌صدر ۱۶ میلیون تومان خرج تزئین دفترکار ش میکند. اگر دست دولت بسته است چگونه هاشمی رفسنجانی فقط یک قلم ۲۰۰ میلیون تومان ارز را به بهانه خرید سلاح خارج میکند. چگونه وزارت دارایی فقط یک قلم ۲۰۰ میلیون تومان در اختیار بنیاد شهید میگذارد. چگونه فقط یکی از ارقام چک وزارت دارایی برای نهادهائی چون پاسداران و کمیته ها ۳/۵ میلیون تومان است چگونه ۵۰ میلیون تومان از حساب "بیت المال" به کمیته امداد امام پرداخت میشود و چگونه در یافتی دفاتر آیات عظام در ماه سر به میلیونها تومان میزند. مگر تمام این پولها از شمره دسترنج زحمتکشان حاصل نمیشود. اگر دست دولت بسته است چرا برای سرمایه داران و سران رژیم بسته نیست؟ چرا غذا و لباس، مخارج ایاب و ذهاب و خرج سفره و بنزو بنزین آنها آماده است و فقط وقتی نوبت کارگران میرسد با یاد آوری پاداش خود صرفنظر کننده کارگرانی که برای این پول ناچیز هزار چاره کننده اند تا شاید بتوانند گوشه ای از بدهکاری های شان را با آن پرکنند و احیانا پس از مدتها مه بد شب عید میوه و شیرینی برای بچه های خود بخرند. آقای رجائی نمی‌گوید که چطور باید به بچه گرسنه یاد داد که صبر کند و غذا و شیرو میوه نخواهد، چطور باید به مادر یازن و فرزند مریض خود گفت که صبر کنند و دوا و دکتر نخواهند. چطور با بدنه بدن خسته، گرسنه و بیمار خود نهیب زد که نه تنها باید صبر کرد و از غیرعیدی و پاداش و استراحت گذشت بلکه باید تولید را نیز بالاتر برد تا سرمایه داران و حامیان آنها بتوانند عید خود و تمامی روزهای زندگی خود را بهتر، خوشتر و با سفره و شکم پرتر بگذرانند؟

در عین حال آقای رجائی به "آن دسته محدود و معدودی هم که با بی توجه به شرایط هستند و با فریب خورده و با در این رابطه تحریک میکنند و کارخانه را به اعتصاب میکشانند" هشدار میدهد که "به خود بیایند و هرچه زودتر شرایط زمان را درک کنند زیرا مردم تحمل اینگونه حرکات نا روا را نخواهند کرد". رجائی اگر بخواهد صریح صحبت کند منظورش اینست که تمامی کارگران و زحمتکشانی که از فقر و تنگدستی گرانی و کمبود به تنگ آمده و جانشان به لب رسیده است بخود بیایند و بدانند که در صورت اعتراض، دولت تحمل نخواهد کرد. رجائی تودهٔ وسیع کارگران مبارز و انقلابی را "عده معدود و محدود" مینامد از نظر او کارگران کفاش ملی، کارگران بنزخاور، کارگران باطری سازی نیرو، کارگران خدمات عمومی بنادر، کارگران برق تهران، کارگران تبریز، کارگران اسکله بندرعباس، کارگران شهرصنعتی البرز، کارگران شرکت واحد و ... تمامی کارگرانی که بر علیه سیاستهای ضد کارگری و ضدخلقی دولت دست به اعتراض میزنند "عده محدود و معدود" به شمار میروند. رجائی میگوید: "آنها یی که بدلایل مختلف آرامش جامعه را بهم میزنند آنها یی که برخلاف دستورات (وزارت) کشور به راهپیمایی میپردازند ... در این شرایط همکاران صمیمی ریگان هستند ..." رجائی وقیحانه هرکس را که آرامش جامعه سرمایه داری را برهم بزند همدست ریگان مینامد. از نظر او ارگان جنگی که تحت فشار بی‌خانمانی و گرانی و فقر و سرما دست به راهپیمایی میزنند همدست ریگان اند، زحمتکشان خاک سفیدکه در اعتراض به خراب شدن خانه‌ها یشان دست به راهپیمائی میزنند همدست ریگان اند و با آخره صدها هزار نفر توده های خلق که به دعوت سازمان ما در سراسر ایران جهت بزرگداشت رستاخیز سیاهکل و قیام شکوهمند خلق به راهپیمائی پرداختند همدست ریگانند.

رجائی در انتها بی‌شرمانه خصلت چماقداری اش را بروز میدهد و میگوید "انقلاب ما سازنده بوده و اسلامی است انقلاب سرنیزه و تیرباران نیست امیدوارم شما باعث آن نشوید که این انقلاب تبدیل به انقلاب تیرباران شود." دقت کنید آقای رجائی مدعی است که رژیم جمهوری اسلامی یعنی سرکوبگر خلق کرد، عامل کشتار خلق ترکمن، عامل بخون کشیدن خلق عرب، عامل ترور رفقا توماج، مختوم، واحدی وجرجانی، عامل کشتار صیادان انزلی، عامل ترور رشوندها و نریمی‌ها و گرجی بیانی ها، عامل اعدام انقلابیون چون احسن نا هیدها و جها نگیر قلعه ای ها، عامل زندانی کردن هزاران نفر از انقلابیون و اعمال وحشیانه ترین شکنجه ها، عامل ترورهای سیاه خرم‌آباد عامل ایجاد "خانه های امن"، عامل اعدام ساواک و عامل صدها و هزاران مورد قتل و کشتار و شکنجه رژیم سرنیزه و تیرباران نیست! و هشدار هم میدهد که بترسید و نگذارید که تبدیل به چنین رژیمی شود! گویی این دون صفتان تصور میکنند تنها رژیم هیتلرها و آریا مهرها و پینوشه ها رژیم تیرباران و سرنیزه اند و تا زمانی که در قتل و کشتار و سرکوب خلق به پای این جلادان درجه اول نرسیده اند، میتوانند لاف دمکرات بودن و اعمال آزادی بزنند!!

از سوی دیگر آقای رجایی سرمایه داران را نیز نصیحت کرده و به صبر دعوت میکند و از آنان میخواهد که اینگونه در چپاول و غارت خلق "عجله" نداشته باشند و میگوید "ما برای چند روزی از این که مقدار جنس کمتری بفروشیم و درآمد کمتری داشته باشیم تحمل نمی‌کنیم؟ ..." یعنی اینکه بهتر است سرمایه داران و غارتگران عزیز چند روزی تحمل کنند و اینقدر فشار گرانی و احتکار را سریع افزایش ندهند که مبادا طاقت خلق طاق شود.

در عین حال رجایی سرمایه داران را نیز تهدید می‌کند و صریحا اعلام میکند! سرمایه داری که جنس را احتکار نماید و خون خلق را در شیشه کند "باید بداند که نمیتواند دم از ایمان و تعهد انقلاب بزند"!! بدینصورت با آنان اتمام حجت میکند که حداقل اگر خلق را چپاول میکنید دم از ایمان و تعهد به مکتب نزنید و با عث "تضعیف روحانیت و دولت مکتبی نشوید" رجایی با ردیگر در "مقابله" با گرانی و احتکار که در اثر فشار روزافزون خود میرود تا توده ها را در مقابل حاکمیت قرار دهد، سلاح زنگ زده نصیحت و اندرز را بکار گرفته است سلاحی که از ابتدای برقراری جمهوری اسلامی شاهد بکار گیریش توسط تمامی سران رژیم از آیت الله خمینی، شورای انقلاب و دولت موقت گرفته تا بنی‌صدر بوده ایم. سلاحی که با ادعای حمله و مقابله با سرمایه داران بروی خلق کشیده میشود و بنرا دیگر توده ها به تجربه خود بخوبی فهمیده اند و دیگر میدانند که چگونه رژیم جمهوری اسلامی مهمترین و اصلی‌ترین عامل گرانی و تورم و بیکاری است و نصایح پدرانه سردمداران آن بجز تا شدید چپاول و غارت خلق توسط سرمایه داران معنای دیگری ندارد●

****

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۱۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

جیره بندی ارتجاعی، بسود سرمایه داران علیه زحمتکشان

براثر اوجگیری بحران اقتصادی وبا بروز عوارض ناشی از جنگ غیرعادلانه دولتهای ایران وعراق، فشار گرانی وکمبود ما یحتاج اولیه وتورم کمرشکن روز بروز بیشتر بردوش توده ها وارد میشود. دولت جمهوری اسلامی در مقابل این مساله به تشکیل "ستاد بسیج اقتصادی" وستاد طرح وتوزیع عادلانه کالا" دست زده است. رژیم "توسعه هرچه بیشتر سیستم جیره بندی کالاهای مصرفی مردم را بعنوان "عمده ترین وموثرترین راه خاتمه بخشیدن به وابستگی اقتصادی وتورم "توصیف میکند. مادرکارشماره ۹۴ دراین مورد نوشتیم که "دراین سیاست که جهت حفظ وحراست سیستم بحران زده سرمایه داری وابسته بکار گرفته شده است تنها چیزی که مدنظر قرار نگرفته است، منافع توده ها وزندگی فلاکت بار آنان بوده است" وتوضیح دادیم که چگونه این طرح جیره بندی دسترنج ودستمایه زحمتکشان را بصورت سودهای کلان به جیب تجار وبازاریان ومحتکران وکلا سرمایه داران سرازیر میکند. اینک که مدتی از اجرای این طرح گذشته وتوده های زحمتکش بخوبی ماهیت ارتجاعی آنرا لمس میکنند، بهتر است به بررسی نمونه ای از آنها از آثار وعوارض آن بپردازیم وبعنوان مثال تاثیرات سیاست جیره بندی قندوشکر را بررسی نمائیم.

درحال حاضر قیمت شکر در بازار آزاد هرکیلو حداقل بین ۱۵۵ تا ۱۸۰ ریال می باشد. درعین حال تمامی کالاهای وابسته به آن نیز به قیمت سرسام آوری رسیده اند از جمله قیمت نبات بکیلوئی ۲۴۰ ریال وآب نبات قیچی به کیلوئی ۳۰۰ ریال رسیده وچای درقهوه خانه ها ۱۰ ریال وحتی ۱۵ ریال بفروش میرسد. تحت تاثیر این مساله خرما، کشمش، آب نبات و... همگی بسرعت گران شده اند. با بددیدفشار این افزایش قیمت ها بردوش چه کسانی وارد میگردد.

برطبق آمار دولتی موجود (این آمار درصفحه ۱۰ کیهان پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه نیز نقل گشته است) مصرف سرانه قند وشکر کشور در سال ۵۹، ۳۹/۸ کیلو است. با این حساب مصرف سالانه کشور یک میلیون وپانصدهزار (۱/۵۰۰/۰۰۰) تن خواهد بود" از این مقدار ۴۰۰ هزار تن شکر در زمینه مصارف غیرضروری ولوکس ... از قبیل قنادی، نوشابه سازی ها شکلات سازی وکیک وبستنی سازی مصرف میشود" (کیهان همان روز) به سادگی می شود حساب کرد که در ایران در سال ۱۵۰/۰۰۰ تن شکر مصرف میشود که ۴۰۰/۰۰۰ تن آن مصرف کالاهائی چون نوشابه و شیرینی وبستنی ویک میلیون وصدهزار (۱/۱۰۰/۰۰۰) تن آن به مصرف مستقیم مردم میرسد. یعنی مصرف هر نفر بطور مستقیم) حدود ۲۹/۲ کیلو قندوشکر خواهد بود. دولت به ادعای خود با اجرای طرح سهمیه قندوشکر ۶۰۰ هزار تن در سال، در مصرف این مواد صرفه جوئی کرده و "گامی درجهت خودکفائی اقتصادی" برداشته است! دولت درطرح خود به هر نفر ۱/۲ کیلو قندوشکز (۸۰۰ گرم قند و ۴۰۰ گرم شکر) در ماه میدهد یعنی هر نفر سالانه ۱۴/۴ کیلو قندوشکر میگیرد و ۴۰۰ هزار تن نیز به سایر مصرف کنندگان (یعنی قنادی ها، نوشابه سازی ها و...) تحویل میگیردد. اگر کمی دقت کنیم مساله بسیار روشن است ۴۰۰ هزار تن مصرف "مواد غیرضروری ولوکس" سرجای خود باقی مانده است ولی سهمیه مصرفی هر نفر که ۲۹/۲ کیلو در سال بوده به ۱۴/۴ کیلو یعنی کمتر از نصف تقلیل پیدا کرده است. نتیجه این کار بالا رفتن سرسام آور قیمت قندوشکر می باشد، مثلا شکر از کیلوئی ۲۴ ریال به ۱۸۰ ریال رسیده است یعنی بیش از ۷ برابر گران شده است.

بیشترین فشار در این رابطه به توده های زحمتکش وارد می آید. کارگران وزحمتکشان که معمولا بخاطر سطح پائین درآمد وتغذیه وعدم توانایی دسترسی به میوه وسایر مواد غذایی قندی، قندوشکر وچای احیانا مواد غذایی چون حلوا وخرما عمده ترین غذایشان را تشکیل میدهد بیشترین بار این گرانی را تحمل می کنند (باید توجه داشت که قیمت خرما بخاطر امکان استفاده با چای وحلوا بخاطر ساخته شدن با شکر بسیار افزایش یافته است) دهقانان که معمولا مجبورند با چای شیرین ونان خالی شکم خود وخانواده شان را سیر کنند بیشترین فشار را متحمل میشوند وهرگاه درنظر داشته باشیم که بنا بر اعتراف خود رژیم سیستم توزیع کوپن در روستاها بخوبی وبه شکل فراگیر انجام نمی گیرد، آنگاه میتوان به وخامت وضع روستائیان واقف تر گشت. ودرچنین شرایطی است که بیشترین سود را سرمایه داران، تاجران ومحتکران این کالاها به جیب خود میزنند.

هرگاه در مورد ۴۰۰/۰۰۰ تن مصرف "غیرضروری ولوکس" هم کمی بیشتر دقت کنیم بشکل روشنتری به ماهیت ارتجاعی سیاستهای رژیم پی میبریم. بعنوان مثال قیمت انواع شیرینی رشد سرسام آوری یافته است وعموما به ۲ تا ۲/۵ برابر قیمتهای قبل رسیده، درصحبت با چند قناد روشن میشود که قبلا شکر کیلوئی ۲۴ ریال وروغن نباتی کیلوئی ۶۵ ریال بوده وا اینک همین مواد به کیلوئی ۱۵۵ (صدوپنجاه و پنج) و ۱۶۰ (صدوشصت) ریال رسیده است. واگر قنادان بعلت کمی سهمیه به بازار آزاد روی آورده وحتی بسیاری از آنها بجای روغن از کره هلندی استفاده می کنند.

در اینجا چند مطلب روشن میگردد اولا دولت در مورد مصرف شکر در بخش "لوکس وغیرضروری" مقداری بسیار کمتر از مصرف واقعی را بعنوان آمار منعکس کرده ودرحقیقت دروغ میگوید، دوما در اینجا نیز سیاستهای دولت مستقیما به نفع سرمایه داران، تاجران ومحتکران شکر (روغن) تمام میشود. سوما سیاست جیره بندی قندوشکر "درجهت خودکفایی وقطع وابستگی" درعین دامن زدن به تورم ابالا بردن قیمت اجناس، افزایش فشار بر توده ها و... منجر به افزایش سرسام آور ورود "کره هلندی" نیز گردیده است!

سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی مشخصا درخدمت حفظ وتامین منافع سرمایه داران قرار دارد. رژیم ازسویی با ادعای حمایت از "مستضعفین" جیره قندوشکر آنرا نصف میکند وازسوی دیگر دست محتکرین وسرمایه داران را جهت ایجاد بازار سیاه وچپاول خلق باز می نهد. ازسویی با ادعای مبارزه با وابستگی وخودکفائی گوش خلق را کر میکند وازسوی دیگر با پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود بازار کالاهایی چون کره هلندی را داغ ودا غتر می کند؛ واین مساله نه تنها در این زمینه بلکه در تمامی زمینه ها وجود دارد. رژیم ازسویی به بهانه کمبود بنزین قیمت آنرا سه برابر می کند، طرح ترافیک پیاده می کند... وازسوی دیگر درعین آزادگذاردن ورود اتومبیلهای خارجی ولوکس کارخانجات وابسته ای چون پیکان، رنو، ولندرور را نیز با حمایت بی دریغ خود به تولید هرچه بیشتر تشویق میکند. با بعبارت ساده تر رژیم جمهوری اسلامی با فریادهای مرگ بر امپریالیسم مرگ بر وابستگی، بسرعت بنای خربه خورده سرمایه داری وابسته را ترمیم میکند وبه حفظ وحراست از منافع سرمایه داران مشغول است ●

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۱۶

مبارزه دهقانان "زیوه" برای حفظ زمین

شورای روستای (زیوه) از توابع کرمی آذربایجان، زمین ها را بین دهقانان تقسیم کرده و از حق آنها دفاع میکند.

دهقانان این روستا بعد از تلاشهای بسیار در پائیز امسال توانستند شورای واقعی خود را تشکیل دهند. شورا در ابتدای فعالیت خود دست به تقسیم زمینهای زمینداران بزرگ بین دهقانان زد از جمله زمینهای شخصی بنام حاجی محمودخان را که از سپردگان رژیم شاه بود بین دهقانان تقسیم کرد. اما حاجی محمودخان در پناه زور ارتش و سپاه پاسداران و با دخالت هیئت هفت نفره، دوازده هکتار از زمین ها را مجددا بمالکیت خود درآورد. اهالی زحمتکش این روستا که به حق خود آگاه شده و برای گرفتن آن بپا خاسته اند، در مقابل آزار و سرکوب زمینداروپاسداران حامی او ایستادگی کردند، کار به درگیری کشید و در این میان، روستائیان حاجی محمودخان را دستگیر کرده و تحویل پاسگاه دادند اما پاسگاه بلافاصله او را آزاد کرد و اینبار او با دست باز و حمایت بیشتری به سرکوب و آزار دهقانان پرداخته است. اما علیرغم همه اینها، شورا و دهقانان هنوز بر زمینهای خود مسلط هستند و میگویند ما به هیچ قیمت زمین را که از آن خودمان است دوباره به این زمیندار و دولت حامی او واگذار نمیکنیم.●

مشکلات عمیق دهقانان و شعارهای پوچ رژیم

رژیم جمهوری اسلامی پس از دمیدن های بسیار در بوق و کرنای تبلیغاتی در جهت سرکوبی فئودالها و حل مشکل زمین بنفع دهقانان!! ثابت کرده است که نه تنها قادر به حل این اساسی ترین مشکل توده های محروم روستائی نیست بلکه تمایلی هم به این کار ندارد. اما در مقابل، مدام از دهقانان میخواهد که تا میتوانند بکارند. ما نمیگوییم دهقانان با چه بکارند؟ کجا بکارند با کدام امکانات؟ در کدام زمین؟.

سردمداران رژیم نمیخواهند توجهی به گرانی های کمرشکن وسایل و ابزار کشاورزی، نبود آب، مشکلات جوی، ورشکستگی و آوارگی دهقانان محروم داشته باشند. آنها فقط در سخنرانی ها و نماز جمعه ها شعار میدهند که ای کشاورزان عزیز، تا میتوانید بکارید، با هر سختی و مشکلی که هست به کاشتن بی رقفه خود ادامه دهید تا عایدی آن که با مشقت و خون دل شما، به بار می آید، به جیب گشاد زمینداران بزرگ و سرمایه داران خونخوار و غارتگر برود.

برای اینکه مشکلات فراوان دهقانان کم زمین را بهتر درک کنیم. گزارشی را که روستائیان یکی از روستاهای گلپایگان فرستاده اند در اینجا می آوریم. در این گزارش مخارج کاشت و برداشت یک جریب زمین و عایدی آن به صورت ارقام نشان داده شده است:

مخارج یک جریب زمین برای کشت گندم:

۱ ـ کرایه یکساعت تراکتور برای شخم زدن ۳۵۰ ریال

۲ ـ دو کیسه کود ۵۰ کیلوئی یکی موقع شخم زدن و دیگری بعد از آب بهاره ۷۰۰ ریال

۳ ـ چهار من گندم برای بذر ۴۵۵ ریال

۴ ـ زمین ۶۷ مرتبه آب میخواهد که برای هر جریب و هر دفعه ۱۸۰ ریال ۱۲۶۰ ریال

۵ ـ کرایه دو ساعت تراکتور خرمن کوبی برای جدا کردن کاه از گندم ۹۰۰ ریال

۶ ـ مزد یک نفر کارگر برای جو کشی و مرزبندی ۷۵۰ ریال

۷ ـ مزد کارگر برای ۷ مرتبه آب دادن (هفت تا نصف روز) ۲۶۲۵ ریال

۸ ـ مزد یک کارگر برای یک و نیم روزکار ۱۰۵۰ ریال

۹ ـ مزد نصف روزکارگر برای جمع آوری و خرمن کردن گندمها ۳۷۵ ریال

۱۰ ـ مزد پنج نفر که همراه خرمن کوب هستند هر کدام دو ساعت کار ساعتی ۸۰۰ ریال

جمع کل هزینه ۹۲۶۵ ریال

اما فروش گندم و کاه:

اگر یک جریب زمین زیاد گندم بدهد و بقول معروف برکت داشته باشد حداکثر ۷۰ من گندم میدهد. اگر قیمت گندم هر من ۱۱۴ ریال باشد خواهیم داشت

فروش گندم ۷۹۸۰ = ۱۱۴×۷۰

فروش کاه ۱۳۵۰ = ۹۰×۱۵

از هر جریب گندم، حداکثر ۹۰ من کاه حاصل میشود

کل مبلغ حاصل از فروش گندم و کاه ۹۳۳۰

با این حساب درآمد یک دهقان از هر جریب زمین ۶۵ (۶۵ = ۹۲۶۵ ـ ۹۳۳۰) ریال و با توجه به مقدار زمین کشت اکثریت روستائیان که حداکثر از ۱۲ جریب تجاوز نمیکند کل درآمد ۷۸۰ (۷۸۰ = ۱۲×۶۵) ریال میشود. اما کشاورزان بجای اینکه مزدکارگر بدهند خودشان به همدیگر کمک میکنند (یعنی بیشتر کار میکنند) تا کارشان راه بیفتد و به اصطلاح پول کارگر مزد بگیر را بجای استفاده محصول حساب میکنند که در اینصورت درآمد حاصل از فروش گندم یک جریب ۵۶۶۵ ریال (۶۵+۵۶۰۰) میشود. و همانطور که گفتیم اگر حداکثر زمین زیر کشت دهقانان را ۱۲ جریب بگیریم درآمد یکسال کار یک خانوار دهقانان مبلغ ۶۷۹۸۰ ریال (۱۲×۵۶۶۵) خواهد بود یعنی یک خانوار روستائی با پنج الی شش نفر عائله با این گرانی و کمبود، بیکاری و هزاران مشکل دیگر باید با ماهی ۵۶۶۵ ریال زندگی کند و با اینهمه دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی فریاد میزنند که "کشاورزان گندم بکارند".●

دولت جمهوری اسلامی بجای تقسیم زمین های فئودالها، زمین ۳ هکتاری دهقانان را مصادره میکند

دهقانان وزحمتکشان روستاهای میهنمان، پس از قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ میپنداشتند بهبود در زندگی شان حاصل میشود. آنها تصور میکردند زمینهای غصب شده شان را با زور پس میگیرند و از این پس برای خودشان کشت میکنند، تصور میکردند بساط زمینداران بزرگ برچیده خواهد شد، تصور میکردند بدهی ها و دیون دهقانان لغو خواهد شد، تصور میکردند امکانات بهداشتی و رفاهی به روستاها خواهد رفت و... اما هرچه زمان بیشتری از قیام گذشت روستائیان بیشتر متوجه شدند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در جهت تامین خواسته های آنها برنمیدارد، نه تنها از آنها حمایت نمیکند بلکه با تصویب قوانین گوناگون، از مالکین بزرگ و فئودالها طرفداری میکند. یکی از نمونه های برجسته اینگونه سیاستها، عملکرد هیئت های هفت نفره در دشت مغان است. این هیئت زمین فئودالهائی را که ۸۰۰ ـ ۵۰۰ هکتار وسعت دارد طوری تقسیم کردند که بیشترین زمین و مرغوب ترین قسمت های آن به اقوام و خویشان زمیندار رسید، مثلا در جایی به مالک چهل هکتار رسید ولی دهقان حداکثر ده هکتار زمین نامرغوب نصیبش شد.

زمین مالکین وفئودالهای سرسپرده رژیم پیشین مثل سرهنگ پاکروان، به وسعت سیصد هکتار قابل کشت، دست نخورده ماند اما زمینهای دهقانانی که بین ۳ تا ده هکتار زمین دارند و خود در مناطق دیگر به کار کرای مشغولند، مصادره شد. این مساله خشم و نفرت روستائیان را برانگیخت اما هیئت هفت نفره میگویند چون شما جای دیگر کار میکنید بنابراین زمین بشما تعلق نمیگیرد. روستائیان میگویند ما حاضریم دست از کار کرای برداریم و روی زمینمان کار کنیم اما کاف مخارج ما را نمیدهد. دهقان زحمتکشی که با زن و فرزندان خود نزدیک هیئت آمده بود میگفت چرا زمین ۳ هکتاری مرا مصادره کردید؟ من چطور شکم زن و فرزندخود را با روزی پنجاه تومن دستمزد سیر کنم، با این کمبود و گرانی چطور میشود چند نفر با روزی پنجاه تومان زندگی کنند؟

هیئت هفت نفره که به کارگران روستائی میگوید چون روی زمین کار نمیکنید، زمین نمیتواند متعلق بشما باشد، میتواند پاسخ این را بدهد که چگونه مالکی که هرگز در روستا پیدایش نمیشود صاحب آنهمه زمین است؟●

نگاهی به اوضاع سیاسی و حرکت اخیر لیبرالها

بقیه از صفحه ۲

زمینه‌های ذهنی در بین توده‌ها و در یک کلام فریب توده‌ها، میتوان با حکومت عراق وارد سازش شد و از سوی دیگر اینکه مذاکره و خاتمه جنگ را برهبری خود و در تحلیل نهایی بسود خود به پایان برند. هم و غم حزب جمهوری اسلامی و دولت رجائی اینستکه چگونه و با استفاده از کدام تاکتیک میتوانند بنی‌صدر را حذف کرده و بهر ترتیب پست فرماندهی کل قوا را به کف آورند. بهله اول برای حزب جمهوری اسلامی آنستکه در کشاکش با لیبرالها بر سر تعیین وزرای امور خارجه، اقتصاد و دارائی و بازرگانی و دادگستری پیروز گردند البته تاکنون دولت رجائی یک سلسله اقداماتی از قبیل برکناری رئیس بانک ملی، ایجاد تغییرات در شهربانی و ... بعمل آورده و با وجود خالی ماندن جای چهار وزیر مذکور در کابینه، خود عملا رشته امور را بدست گرفته و اکنون با فرستادن یک لایحه دوفوریتی به مجلس و تکیه بر قدرت مجلس در پی قانونی کردن آنست. هدف اصلی حزب آنستکه تا وقتیکه آیت الله خمینی در قید حیات بسر میبرد، با تکیه بوی، نقش لیبرالها و بنی‌صدر را در ارگانهای مختلف دولتی (وزارتخانه‌ها و ارتش) به حداقل کاهش دهد. زیرا تحقق این هدف پس از مرگ آیت الله خمینی بمراتب دشوارتر از شرایط کنونی خواهد بود.

از طرف دیگر لیبرالها نیز این وضع را درک کرده و تمام کوششهای خود را برای خنثی کردن سیاستها و اقدامات حزب و بی‌اعتبار کردن و یا دستکم کاهش قدرت قانونی مجلس و کابینه بکار برده‌اند.

درحقیقت هدف نهائی بنی‌صدر، اعلام غیرقانونی بودن مجلس و تجدید انتخاب نمایندگان مجلس و از اینطریق ساقط کردن کابینه رجائی است. هم اکنون کوشش لیبرالها برای حفظ و گسترش نفوذ سیاسی و موقعیت خود در دستگاه دولت اساسا بر روی دو محور صورت میگیرد: آنها از یکسو کوشش میکنند تا همه نیروهای اپوزیسیون شخصیتهائی که به نحوی از انحاء با حزب جمهوری اسلامی مخالفت میورزند بزیر پرچم آزادیخواهی دروغین خود جلب کرده و بحرکت درآورند و از سوی دیگر سعی میکنند با فریب زیرکانه توده‌ها را که بیش از پیش نسبت به سیاستهای ضددمکراتیک و ضدمردمی حزب جمهوری اسلامی نفرت مییابند، از طریق ترتیب دادن میتینگ‌ها و سخنرانی‌ها و با چهره آرائی و پوشاندن ماهیت طبقاتی خود آنها را بسوی خویش جلب کرده و در میان مردم هرچه بیشتر پایگاه مردمی پیدا کنند. لیبرالها علیرغم تضادهای درونی خود، سعی میکنند قدرت قانونی رئیس جمهور را بعنوان رئیس قوه مجریه تحکیم و تقویت کنند. زیرا این قدرت تنها پناهگاه آنان است. آنها تنها از طریق قدرت رئیس جمهور میتوانند تا حدودی به مقابله با حزب جمهوری بپردازند.

هم اکنون بنی‌صدر بخشهای وسیعی از مردم را بدنبال خود کشانده است. توده‌هائی که از حزب بریده و گمان میکنند آنچه که بنی‌صدر تحت عنوان دمکراسی وعده میدهد، در واقع دمکراسی و آزادی حقیقی بوده و میتواند تغییری مثبت در شرایط زندگی آنان ایجاد کند. توده‌های ناآگاهی که جانشان از فشار بحران اقتصادی و وضع پر هرج و مرج به لب رسیده و خواهان نظم و آرامش میباشند، اکنون بسوی رئیس جمهور و لیبرالها جلب میشوند. بنی‌صدر با استفاده از این وضع و موقعیتی که در ارتش کسب نموده است، میداند که برکناری او از پست فرماندهی کل قوا، کار ساده‌ای نظیر برکناری کابینه بازرگان نخواهد بود. اما در مجموع میتوان گفت، آرزوی حزب جمهوری اسلامی برای برکناری بنی‌صدر از پست فرماندهی کل قوا و بعبارت بهتر غیرقانونی کردن قدرت اجرائی رئیس جمهور بیشتر از رویاهای بنی‌صدر برای تجدید انتخابات نمایندگان مجلس و ساقط کردن کابینه رجائی به واقعیات سیاسی نزدیکتر است. فعل و انفعالات درونی هیئت حاکمه نشان میدهند که لیبرالها بشدت تحت فشار قرار گرفته‌اند.

در این شرایط، سران خیانتکار "نهضت آزادی" نیز که در زمان اقتدار خود سعی میکردند مردم را از زندگی فعال سیاسی به خانه‌های خود روانه کنند، اکنون خود را مجبور به برگزاری میتینگ می‌بینند!

میتینگ اخیر که به دعوت چهار تن از نمایندگان لیبرال مجلس - بازرگان، سحابی، یزدی و صباغیان برگزار شد، نشان داد که حتی لیبرالهای سرشناسی که در "نهضت آزادی" لانه کرده‌اند و تاکنون سیاستهایشان در دفاع از سرمایه‌داران و زمینداران لیبرال و تجدید باصطلاح "مناسبات حسنه و دوستانه"! با امپریالیسم در همه جا افشاء شده است، امیدوارند که با اینگونه حرکتها و فریب توده‌های مردم موقعیت سیاسی از دست رفته خود را بار دیگر احیاء کنند.

آنها در این میتینگ، طبق روش معمول لیبرالها، با تظاهر به آزادیخواهی، خود را مدافع منافع مردم و دمکراسی معرفی کردند. اما این امر برای بسیاری از مردم جزو بدیهیات است که آنچه که به ذهن این آقایان خطور نمیکند و محلی از اعراب ندارد، دمکراسی واقعی یعنی دمکراسی است که از منافع توده‌های زحمتکش مردم دفاع میکند. لیبرالها تنها برای منافع سرمایه‌داران و موقعیت خود در دستگاه دولت دل میسوزانند و نه برای مردم. آنها از این ناراحتند که حزب جمهوری اسلامی قصد قبضه کامل قدرت را داشته و میخواهد بطور انحصاری قدرت دولتی را بدست گیرد. آنها تنها برای این زبان به اعتراض گشوده‌اند که اجازه سخنرانی در مجلس به آنها داده نمیشود، نطق آقایان از رادیو تلویزیون پخش نمیشود! و یا آنکه "اختیار امور مملکت در اختیار یک حزب واحد قرار گرفته است"! وگرنه سرکوب کارگران، دهقانان و زحمتکشان، پایمال ساختن آزادیها و حقوق دمکراتیک توده‌ها، سرکوب خلقها، دستگیری، شکنجه، اعدام و ترور انقلابیون، توقیف نشریات انقلابی، ممنوعیت فعالیت و سرکوب سازمانهای انقلابی نه تنها مورد تائید آنها است بلکه در مواقع ضروری خود در صف مقدم سرکوبگران قرار داشته و خواهند داشت.

آری امروز حتی بازرگان هم نغمه "آزادیخواهی" سر میدهد! ما کارنامه خیانت وی و شرکایش یزدی، سحابی، صباغیان ننگین‌تر از آنست که با اینگونه عوامفریبی‌ها بتوان آنرا پنهان کرد.

اکنون در ذهن بسیاری از مردم این سئوال مطرح شده است که براستی چه شده است که این آقایان که در دوران اقتدار خویش، از احیاء رابطه با امپریالیسم آمریکا داد سخن داده و دستور سرکوب مبارزات توده‌های مردم را صادر میکردند، طرفدار آزادی و دمکراسی شده‌اند؟! چرا آنها از مذاکرات خود با ژنرال هویزر آمریکائی سخن نمیگویند؟! چرا آنها نمیگویند که بچه منظور از مجازات ایادی و مزدوران رژیم شاه جلوگیری کرده‌اند؟ واقعیت آنستکه تعمیق بحران اقتصادی، وخامت بیسابقه آن و بارزتر شدن نشانه‌های یک ورشکستگی تمام عیار و در نتیجه گسترش مبارزه توده‌ها از یکسو و رانده شدن طیف لیبرالها از مواضع قدرت از سوی دیگر بیش از پیش سردمداران "نهضت آزادی" را نگران ساخته و آنها را وادار به تلاشهای جدیدی کرده است. میتینگ اخیر نیز تنها بازتاب چنین شرایطی است. این میتینگ تنها بیانگر تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و تقویت فشارهائی است که از جانب حزب جمهوری بر لیبرالها وارد میآید. لیبرالهای نهضت آزادی نیز با تاسی به بنی‌صدر، کوشش میکنند با شانه خالی کردن از زیر بار سیاستهای ضدمردمی رژیم جمهوری اسلامی در میان توده‌ها وجهه یافته و از موضع مخالفت با روشهای حزب جمهوری، چهره مردم دوستانه‌ای بخود بگیرند.

سیاست فریب و دروغ دولت جمهوری اسلامی در مسئلهٔ آزادی...

بقیه از صفحه ۱

بقبولاند. چنان ادعا میشود که همه حقوق سیاسی و اقتصادی ایران که مورد تجاوز امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است در پرتو اقدامات پیگیر و انقلابی دولت جمهوری اسلامی تا قبل از آزادی جاسوسان اعاده میگردد و کلیه مطالبات مالی - ارضی ایران که از طرف بانک مرکزی بین ۱۵/۵ - ۱۴ میلیارد دلار و حتی تا رقم ۲۴ میلیارد دلار ارزیابی شده است و از مجموعه دارائی منقول و غیرمنقول شاه و دربار که به اعتراف سخنگوی دولت بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار برآورد شده است، با اطمینان خاطر و تضمین کامل تا قبل از آزادی گروگانها به کیسه از پیش دوخته دولت جمهوری اسلامی سرازیر میگردد. پرده دری حقایق پشت پرده پس از آزادی گروگانها بیش از پیش چهره واقعی دولت جمهوری اسلامی را در معرض دید افکار عمومی قرار میدهد. رجائی در توضیح ماجرای آزادی گروگانها در پشت تریبون مجلس چنین نتیجه‌گیری میکند: "به اعتقاد دولت جمهوری اسلامی بند فوق الذکر مصوبه مجلس شورای اسلامی بیش و پیش از آنکه ارزش اقتصادی و عملی داشته باشد، ارزش سیاسی دارد و اموالی که ندادند دسترسی به اموال شاه و بستگانش پس از این همه سروصداها و هشیاری آنها کار ساده‌ای نیست و با تضمین عدم مداخله آمریکا در ایران امری نشدنی است."

رجائی در جای دیگر این گزارش تصریح میکند: "گرچه میدانیم، که آمریکا به تعهداتش از لحظه امضاء و پیش از آن وفادار نمانده و از عوامل شاه و بستگانش احتمالا چیزی بدست نمیآید." بهزاد نبوی که تا دقایقی قبل از آزادی گروگانها در لباس رزم آماده مصاف با آمریکا و امپریالیسم جهانی بود پس از آزادی گروگانها با تکرار همین جملات رجائی نسبت به احقاق حقوق طبیعی ایران از امپریالیسم آمریکا اظهار عجز میکند. تا جائیکه در مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۸ بهمن ماه ۵۹ با خشم و محکم اظهار میدارد که: "اینقدر هم دیگر مثل کاسبها چرتکه نیاندازید، که چقدر گرفتیم، و چقدر نگرفتیم."

پس از آزادی گروگانها رجائی و سخنگوی دولت در برابر مجلس و افکار عمومی به صراحت اعتراف مینمایند، که در سراسر ماجرای مذاکرات ایران و آمریکا نسبت به عدم اجرای توافق‌های بدست آمده از سوی ایالات متحده اطمینان خاطر داشته‌اند. ولی نه مجلس و نه دولت رجائی، تا پیش از آزادی گروگانها حتی کلمه‌ای در اینباره به میان نمیآورند. و در تمام دوره مذاکره پشت پرده و روی پرده به مردم اطمینان میدهند که، تا تحقق کامل و اجرای قطعی همه خواستهای ایران، و تا دریافت همه مطالبات مالی - ارزی و استرداد ۳۲-۴۰ میلیارد دلار دارائی شاه و خانواده‌اش محاکمه گروگانها حکمی تردید ناپذیر خواهد بود و تا دقایقی قبل از آزادی گروگانها، محاکمه آنها بعنوان عمل انتقام جویانه ایران نسبت به عدم تحقق خواستهای بحق ایران تبلیغ میگردد.

اعترافات صریح رجائی و سخنگوی دولت تازه پس از آزادی گروگانها نشان میدهد که در مسئله آزادسازی گروگانها دولت جمهوری اسلامی در پشت تبلیغات عوامفریبانه بازپس گرفتن دهها میلیارد دلار دارائی سپرده و غارت رفته ایران را به مردم دروغ گفته است.

رجائی در گزارشی به مجلس درباره مانور تبلیغاتی پیشنهاد ۲۴ میلیارد دلار تضمین درخواست شده از آمریکا سکوت اختیار میکنند ولی نخست وزیر و سخنگوی دولت در مصاحبه‌های مطبوعاتی اقرار مینماید که، پیشنهاد ۲۴ میلیارد دلار تضمین درخواست شده با قوانین جاری در محاکم ایالتی و فدرال آمریکا مغایرت داشته است. و بخاطر این مغایرت و موازین دادگاههای آمریکا از آن صرفنظر شده است.

رجائی و سخنگوی او در گزارش به مجلس و مطبوعات هرگز به روی خود نمیآورند که، اگر بنا بود دولت جمهوری اسلامی صرفا بخاطر رعایت مقررات و قوانین محاکم داخلی آمریکا، تسلیم سازشکارانه از تضمین درخواست شده چشم پوشی کند، آنهمه شعارها و تبلیغاتی درباره این تضمین و مانورهای عوامفریبانه درباره محاکمه گروگانها به چه منظوری بوده است؟

مطالبات ایران از سوی مراجع مالی کشور ۱۵/۵ - ۱۴ میلیارد دلار و در مطبوعات جهانی (روزنامه تایمز) تا ۲۴ میلیارد دلار برآورد شده است. و دارائی منقول و غیرمنقول ابواب جمعی خانواده شاه در آمریکا از طرف دولت بین ۳۲ - ۴۰ میلیارد دلار ارزیابی میگردد در اینصورت مجموعه مطالبات مورد درخواست ایران گذشته از پرداختهای توقیف شده ایران برای قراردادهای نظامی و اقتصادی بالغ بر رقمی بین ۴۶ - ۶۴ میلیارد دلار خواهد بود.

دولت رجائی با چنین آگاهی و شناخت از امپریالیسم آمریکا و با چنان اعتراف صریح، بجای طرح و تعقیب قاطعانه ۶۴ میلیارد دلار تضمین از آمریکا، همچنانکه در عمل نشان میدهد، بصورت یک مانور نمایشی به طرح تضمین ۲۴ میلیارد دلار مبادرت میورزد. و در پی این طرح پیشنهادی چه شعارهای انقلابی در وصف مبارزه ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی به خورد مردم نمیدهد.

با اینهمه، تنها به رخ کشیدن مقررات دادگاههای داخلی آمریکا کافیست تا، دولت رجائی با اطمینان به عدم اجرای توافقهای سیاسی - مالی از سوی آمریکا و با وقوف به دروغگوئی آمریکا درباره استرداد ثروت غارت برده شاه و خانواده‌اش از پیشنهاد تضمین دربست عدول کند.

با چنین اعتراف صریح باید، به ابتکار عمل رجائی حق داد که، در گزارش به مجلس و افکار عمومی برای فرار از رسوائی عدول از طرح تضمین از آمریکا سکوت اختیار کند.

رجائی در گزارش به مجلس و نبوی در مصاحبه مطبوعاتی، منحرف سازی افکار عمومی از مطالبات دهها میلیارد دلاری ایران تماما بر این نکته تاکید میورزید که، در ماجرای آزادسازی گروگانها دولت جمهوری اسلامی صرفا هدف سیاسی در نظر داشته است و معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی به زبان افشاءگرانه‌ای اقتصادی آشکار میکند که، منظور ایران در مذاکره با آمریکا مسئله مادی نبود. بعبارت دیگر "دولت جمهوری اسلامی در این ماجرا مسئله استرداد دهها میلیارد دلار مطالبات برحق ایران از آمریکا را در نظر نداشته است. و تسلیم طلبانه از آن قطع امید کرده است مانورهای دولت درباره اعاده آنهمه ثروت ضبط و تصرف شده از زحمات آغاز چیزی جز یک مشت شعارهای تو خالی و مردم فریب نبوده است.

ادامه دارد

۱۹ اسفند سالروز انتشار نشریه کار

بقیه از صفحه ۲

انتشار "کار" گزارشی ازنحوه پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک درچهارچوب برنامه تعیین شده در "سرمقاله کار" ۸۷ به جنبش ارائه دهیم. سازمان تاکنون موفق شده است بجز بخش مربوط به انترناسیونالیسم پرولتری وتضادهای جهانی ونیز بخشهائی ازتحلیل ساخت که احتیاج به بررسی وبحث بیشتر است، نظرخود را درمورد مسائل گرهی مورد اختلاف درسطح جنبش تا حدزیادی تدوین کند. سیاست سازمان این است که پس ازبرخورد اولیه با این نوشته ها دردرون سازمان، آنها را درنبرد خلق درسطح جنبش منتشرکندتا موردنقد وبررسی همه سازمانها وگروههای مارکسیست - لنینیست قرارگیرد، [illegible] ولی برحسب مطالبی که [illegible] سازمان برخورد اولیه نسبت [illegible] صورت گرفته است، درنبرد خلق منتشرخواهدشد. این مطالب عبارتند از: ۱- بحران اقتصادی جهان ۲- بحران اقتصادی ایران ۳- کشاکش انقلاب وضدانقلاب، خودویژگی شرایط پس ازقیام ۴- ماهیت وپایگاه طبقاتی حزب جمهوری اسلامی. یکی ازمسائل بسیارمهم درفعالیت ومبارزه هر سازمان مارکسیست - لنینیست، تدوین استراتژی، تعیین نیروهای انقلاب، ضدانقلاب، نیروهای بینابینی درانقلاب وسمت اصلی ضربه درانقلاب دمکراتیک ایران است. این بخش نیز تدوین شده است وپس ازانتشار چهار مقاله فوق الذکر باضافه چندموضوع دیگرمنتشرخواهدشد.

درپایان این مقاله ازهمه رفقا وهواداران سازمان میخواهیم که اگر پیشنهادوانتقادی نسبت به "کار" دارند، برای سازمان بفرستند، تا در آینده بتوانیم با رفع نواقص موجود درجهت ارتقاء هرچه بیشتر آن گام برداریم.

گرامی باد خاطره مبارزات ضدامپریالیستی...

از صفحه ۲۰

به نفعیه ارتش دست نزد. مصدق با بازنشسته کردن تعدادی ازامرای ارتش وعدم برخورد قاطع با آنها، زمینه را برای توطئه گریهای آنها بازگذارد، بجای آنکه سرمار را بکوبد، تنها آنرا زخمی کرد.

مصدق پس ازکودتای نافرجام ۲۵ مرداد نیزکوشش نکرد با تسلیح توده ها وانحلال ارتش شاهنشاهی ازکودتا جلوگیری کند. درحالیکه با شکست کودتای ۲۵ مرداد ودستگیری عده ای از سران ارتش مردم بسرعت حالت عصیان وقیام بخودگرفته وآمادگی بدست گرفتن سلاح ودفاع ازدستاوردهای جنبش ضد امپریالیستی را داشتند. مردم در این هنگام درآنچنان جوش وخروشی بودند که اکنون میتوان حالت آنان را با روزهای قیام بهمن ماه مقایسه کرد.

یکی ازاشتباهات بزرگ مصدق بدبینی بیش ازحد ونسبت به نیروهای کمونیست بود. هرچندحزب توده که به کاریکاتوری ازحزب طبقه کارگرشبیه بود با سیاستهای سراپا اشتباه وشعارهای انحرافی که مبدأ درزمینه این بدبینی وعدم همکاری را فراهم کرده بود ولی مصدق هیچگاه حتی درروزهای آخرحکومتش حاضرنشد ازهمکاری نیروهای کمونیست استقبال کند وصف متحدنیروهای خلق را درمقابل ضدانقلاب داخلی وخارجی استحکام بخشد.

اینک که بررسی حرکات مصدق، این شخصیت ملی را پیش رو داریم ضروری است خط ومرز او را با عناصرونیروهای لیبرالی که کوشش دارند با چسباندن خود به مصدق ازمحبوبیت ونقش تاریخی او سوءاستفاده کنند مشخص کنیم.

ما مصدق وحرکت تاریخی او را تنها درمقطع خاصی ازتکامل تاریخی درسطح ایران وجهان ارزیابی کرده ونقش مصدق را دراین مقطع تاریخی مترقی میدانیم. مصدق درشرایطی که جامعه ما یک جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره بود، رهبری مبارزات ملی ضد امپریالیستی را بعهده گرفت. حرکت او که نمایندگی ازبورژوازی ملی [illegible] و برای قطع نفوذ استعمار انگلستان درایران صورت گرفت علیرغم اشتباهات وکمبودها ونارسائیها پیش دررشدجنبش ضد امپریالیستی ونیروهای مولدوقطع وابستگی حرکتی مترقی بود. درآنهنگام بورژوازی ملی بعنوان یک طبقه درجامعه وجودداشت وحرکتش درجهت تاریخ بود. اما امروزکه درجامعه ما سرمایه داری وابسته سیستم اقتصادی حاکم بوده دیگر ازبورژوازی ملی بعنوان یک طبقه ویک نیروی اقتصادی وسیاسی نمیتوان نام برد ودیگرهیچگونه رسالتی ندارد. امروزه بورژوازی لیبرال که بخشی ازبورژوازی وابسته ایران است درشرایط حاکمیت سرمایه داری وابسته با یکاد سرمایه داری جهانی بوده وتنها درچارچوب وابستگی میتواند به حیات خودادامه دهد. بنابراین دیگر این بورژوازی نه تنها مترقی نیست بلکه برخلاف بورژوازی ملی ونماینده اش مصدق که با استعمار درتضاد بود، حیاتش درارابطه تنگاتنگ با سرمایه جهانی بوده وسرنوشتش با وابستگی عجین گشته است. ازاین رونمایندگان این طبقه علیرغم اینکه درگذشته با مصدق همکاری داشته یا شدو یا اینک اعلام کنندکه راه مصدق را ادامه میدهند، فریبکارانی بیش نبوده وحرکتشان ۱۸۰ درجه با حرکت مصدق درتضاد است. مصدق نمایندگی ازبورژوازی ملی درجهت حرکت تاریخی قدم برداشت وحرکتش مترقی بود، درحالیکه بورژوازی لیبرال درشرایط کنونی نقش پایگاه اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری جهانی را ایفا کرده بنابراین نقش وحرکتشان ضدانقلابی و ارتجاعی است.

روندجنبش ملی شدن نفت وشکست آن نشان داد که نقش سرکردگی در جنبش وانقلاب چقدرمهم وحیاتی است. مردم ما بعدها با درس آموزی ازجنبشهای رهائی بخش سایرخلقها به این امرواقف شدند که رهبری غیرپرولتری حتی درچهره مادقترین نمایندگان بورژوازی ملی نظیرمصدق، ناصروسوکارنو چه سرنوشت اسفباری خواهدداشت. تزلزل، عدم قاطعیت درمقابل ضدانقلاب، تکیه کردن روی تضادهای امپریالیستها که ازخصوصیات نیروهای بورژوازی است نتیجه ای جزشکست وناکام ماندن انقلاب نظیرآنچه درایران، مصر، عراق واندونزی گذشت، نخواهدداشت. آنجا که رهبری جنبش رهائی بخش دردست توانای طبقه کارگرقرارداد، چنانچه درویتنام، کوبا وکشورهای دیگرشاهدآن بودیم، این رهبری با قاطعیت انقلابی بی تزلزل، پیگیرومداوم، انقلاب را تا پیروزی نهائی ادامه داده است. در اینجا برخلاف موردقبل، توده ها طعم پیروزی برامپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری وابسته را چشیده واستقلال واقعی را بدست آورده اند.

آری، اینست آنچه توده ها درتجربه خود، درخلال کوران مبارزه سرسخت طبقاتی به آن دست می یابند: تنها رهبری پرولتاریا ضامن پیروزی بر امپریالیسم وپایگاه داخلیش بوده و ساختمان جامعه نوین وآزادوشکوفان را نوید می دهد.

مردم ما درچهاردهمین سالگرد درگذشت مصدق این شخصیت ملی، خاطره مبارزات ضدامپریالیستی او را گرامی داشته وبا ودرودمی فرستند.

یادپیشگام شهید رفیق محمدامین نورائی گرامی باد

پیشگام شهید رفیق امین نورائی دانش آموزسال دوم تجربی در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۹ توسط سپاه پاسداران سرمایه بطرزوحشتناکی در سراوان ترورشد. شرح کامل واقعه در "کار" شماره ۹۹ آمده است

باکمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

ازآنجاکه کدهای چندحرفی وکدهائی که با اسامی مشخص میشودجای زیادی را درروزنامه اشغال میکند لذا ازاین پس تاریخ کدهای دوحرفی تنها حرف اول آنها درردیف حروف مربوطه و اسامی نیزبا حرف اول درستون مربوط به آن ثبت میگردد، بنابراین امور مالی سازمان ازرفقا خواهان است تنها کمک مالی ارسالی خودرا با یک حرف وحداکثریک عددسه رقمی مشخص نمایند.

الف
10113
3015
1999
200
10001
2525
3123
900
3500
2125
1149
1000
7156
5428
7156
1012
3444

3444
591
1000
15000
30256
1111
3124
1200

آ
6337
1016
833
523
500
2160
2000
600
4531

ب
10275
1111
1775
11339
10000
3000
3312
2029
750
2055
1039
1500
1539
8055
2039
500
1391
511

1000
1550
1500
1999
427
1500
5500
1339

پ
5100
1015
500
7000
800
3000
1100
31500
2039
5600

1500
2071
4005

ت
1000
1000
613
17503

ج
9000
3000
522
1011
2555
1002
611

ح
2111
3000
1000
500
1600
2500
1803
3509
2000
1500
1055
600
594
485
20001

خ
833
833
900
3000
333
913
1000
5000
320
27000

د
1325
334
1700
8800

ر
3395
2550
10111
1329
10100

4790
1050
1000
200
5000
1200
5035
2000

ژ
1248

س
5055
3611
3438
129
3015
15000
1500
7543
5000
500
413
1001
4300
11011
1000
650
1022
1675
1619
1055
946

ش
5333
11029
5001
1600
1500

10262
515
1050
18340
5555
21006
2407
3744
2000

ص
1111
1500
7000
6555

ط
5000
1001

ظ
1665

ع
1114
5666
5555
320
3444
3219
2000
1000
1000
777
10000
2111
5021

غ
1500
1000
500

15000
1004

ف
5684
8010
500
4170
5861
10555
3100
10100
1000
2750
1611
1544
10000
1100
2750
1124
5000

ق
2505

ک
13059
1000
510
1000
7500
1121
1005
3256
8369
280
2000
1112
3003

گ
5123
5222

ل
1950
680
5000
1000
2016

م
1146
669
825
2613
7555
2222
35338
5250
50244
13321
[illegible]
[illegible]
2550
6033
10412
1111
3266
2128
3200
5454
5650
20100
1022
5184
600
505
1000
4123
800
200
1113
2300

717
4000
712
7000
5000
2650
300
1000
2640
2000
5123
700
2200
11000
1946

ن
4112
5123
16000
2200
1100
16944
10777
5021
500
1124
3200
10200
607
628
3777
5321
900
1015

و
1050
3131
3401
1000

ه
10111
1500
1000
1000
1045
1446

ی
1000
4000

بدون کد
300
1000
8880
1231
1234
1623
5001

بدون حرف اول نام
1025
4061
1444
9115
4444
1602
1444
1210
527
3321

نقاش
ملوبی
6600 ف

الف
1010
5001
5101
5500
1222
500
2100
5129
5111
12000
40006
500
600
3176
10000
600
1000

آ
2402

ب
1562
2000
4087
800
1000
5200
1622
3329
1500
2000
1000
8322
337
25519
327
25519
2022
2444
1336
504

پ
1123
500
3329
4500
746
1226
2444
2025

ت
3364
2333
10112
1608
600

ج
2504
3104
1106
300
633
2104
2101

ح
1300
1123
10000
1111
2000
922

خ
3331
4577
600
1100

ذ
2112

د
3000
5000
5055
1011
3015

ر
1321
5500
5100
511
2100
1110
3055
596
20014
2777
1013
930
5111

ز
5100
2112
2013
1016
10000

ژ
10121
1525

س
2000
1050
2111
3411
5100
900
1000

520
1020
611
5000

ش
620
5305
2100
2000
1112
1114
1211
2500
9200
1322
1500

ص
2907
5333
2003

ط
15014
3333

ع
1111
722
13391
10
750
1297

ف
1555
1123
3354
3641
3354
2050

10322
1006
10100
2121

ق
5000
2603
2001
1000

ک
2000
2000
500
800
2000
1000
400
400
1313
9000
400

گ
3330
2000
1111
2299

م
1333
338
1927
1333
611
5022
10528
1000
1300
20000
1929

2000
511
15113
1000
6000
3400
490
3000
1224
5381
1000
3200
888
321
1111
900
5500
700
1103
5000
3010
2001
1025
1100
3025

ن
3337
5096
1111
1787
3200
1252
4099
1015
816

و
332

ه
1000
316
2030
3333
1141

700
10451
10000

ی
30123
1011

رفقای ایتالیا 20300 ریال
الف 15000

رفقا یکنفدراسیون ترکیه آنکارا 5000 ریال

رفقای فرانسه م - 40
200 ف

رفقای سربازان‌ [illegible]
10000 ریال شورای کشاورزان 200 انزلی
اردو 1000

امانت شماره [illegible]
200

ب - سهمیه رفیق [illegible]
رفیق ازغار
س - ه رفیق
خانه دارازرزاهدان
س - ۴ م - 101
رفیق سرپیشه‌ور
الف - 156
ص - 413
ب ل - 071
رفیق کارگر م
م - 122
9125
غ - 21
رفیق طهر 711
9110

پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۱۰۰ صفحه ۱۹

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

گرامی باد خاطرهٔ شهدای اسفندماه

پتك است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست برزگر

اسفند ۴۹

در بیست وششم اسفندماه ۴۹ سیزده تن از پیشگامان جنبش مسلحانه خلق ایران به دست جلادان رژیم مزدور شاه تیرباران شدند. دوتن از این گروه فدائیان شهید رفیق محمدمهدی اسحاقی ورفیق محمدرحیم سماعی - در بهمن ماه در نبردی روباروی در سیاهکل به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد:

★ فدائی شهید رفیق جلیل انفرادی

متولد ۴ تیرماه ۱۳۱۹ در شیراز - کارگر جونکا ردر شرکت شعله خاور - کارگر پخچال سازارج - کارگر سرویس کار در شرکت یخچال سازی جنرال استیل دبیر سندیکای فلزکاران ومکانیک ها.

★ فدائی شهید رفیق هادی (کامران) بندهٔ خدا لنگرودی

متولد ۱۳۱۹ در لنگرود - دانشجوی دانشکده فنی تکنیک تهران.

★ فدائی شهید رفیق عنورحسن پور اصل

متولد ۱۳۲۱ در لاهیجان - دانشجوی دانشکده فنی تکنیک تهران - رفقا فاطمه ومصطفی خواهر وبرادری نیز بدست مزدوران پلیس وساواک به شهادت رسیدند.

★ فدائی شهید رفیق عباس دانش بهزادی

متولد ۱۳۲۱ در یم - دانشجوی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

★ فدائی شهید رفیق اسکندر رحیمی مسکی

متولد ۱۳۲۶ در لاهیجان - معلم مدارس فومن.

★ فدائی شهید رفیق ناصر سیف دلیل صفائی

متولد ۱۳۲۲ در سنگسر - فارغ التحصیل رشته مهندسی مکانیک از دانشکده فنی تکنیک تهران - کارمند کارخانه "سولیدداور".

★ فدائی شهید رفیق علی اکبر صفائی فراهانی

متولد ۱۳۱۸ در تهران - دانشجوی دانشکده علم وصنعت تهران - کارگر چاپخانه - دبیر هرستان ستاری نویسنده کتابهای: از جامعه چه می دانیم وآنچه یک انقلابی باید بداند - مرامنامه یک پارتیزان چریکی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین".

★ فدائی شهید محمدهادی فاضلی

متولد ۱۳۲۴ در فیروزآباد فارس فارغ التحصیل رشته مهندسی برق از دانشکده فنی تکنیک تهران - کارمند وزارت آب وبرق.

★ فدائی شهید رفیق احمد فرهودی

متولد ۱۳۲۰ در ساری - کارمند اداره دارائی در ساری.

★ فدائی شهید رفیق محمدعلی محدث شمخی

متولد ۱۳۲۴ در تبریز - فارغ التحصیل دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران.

★ فدائی شهید رفیق شجاع الله مشیدی

متولد ۱۳۲۱ در رشت - فارغ التحصیل رشته مهندسی برق از دانشکده فنی تکنیک تهران - کارمند بخش فنی رادیو تلویزیون - کارمند شرکت مخابرات.

★ فدائی شهید رفیق اسماعیل مینی عراقی

متولد ۱۳۲۱ در اراک - فارغ التحصیل رشته مهندسی برق از دانشکده فنی تکنیک تهران - کارمند شرکت تلفن.

★ فدائی شهید رفیق هوشنگ نیری

متولد ۱۳۲۷ در لاهیجان - آموزگار روستاهای خرم آباد دلرستان ودهکده "شاغوزلات" درنزدیکی سیاهکل.

★ فدائی شهید رفیق فریدون نجف زاده

متولد ۱۳۲۵ در رشت - آموزگار درکنگاور - در اسفند ماه ۴۹ دستگیر شد وپس از تحمل شکنجه های دژخیمان ساواک به شهادت رسید.

اسفند ۵۰

در یازدهم اسفند ماه ۵۰ شش تن از بخستین اعضای سازمان به جوخه اعدام سپرده شدند.

یاد این رفیقان همواره راهگشای مبارزه برعلیه استبداد وامپریالیسم بوده وخواهد بود:

★ فدائی شهید رفیق مسعود احمدزاده

متولد مشهد - دانشجوی رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران - از بنیادگذاران ورهبران سازمان نویسنده "مبارزه مسلحانه، هدم استراتژی هم تاکتیک".

★ فدائی شهید رفیق مجید احمدزاده

متولد مشهد - دانشجوی رشته مهندسی برق دانشگاه شریف.

★ فدائی شهید رفیق حمید توکلی

متولد مشهد - از اعضای سازمان درمشهد.

★ فدائی شهید رفیق غلامرضا گلسوی

متولد ۱۳۲۶ در زابل - از اعضای سازمان درمشهد.

★ فدائی شهید رفیق اسدالله مفتاحی

متولد ساری - از اعضای سازمان درتبریز.

★ فدائی شهید رفیق عباس مفتاحی

متولد ساری - دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران - از بنیادگذاران سازمان.

دردوازدهم اسفندماه ۵۰ نیز چهار تن از نخستین اعضای سازمان بدست دژخیمان رژیم خونخوار شاه به شهادت رسیدند یاد شان گرامی باد:

★ فدائی شهید رفیق سمن آژنگ

متولد ۱۳۲۵ در بندرانزلی دانشجوی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بود دانشجوی رشته زبان وادبیات انگلیسی دانشگاه مشهد.

★ فدائی شهید رفیق سعید آریان

متولد مشهد - از اعضاء سازمان درمشهد.

★ فدائی شهید رفیق عبدالکریم حاجیان سه پله.

از نخستین اعضای سازمان بود که همراه با سه رفیق همرزم خود به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق مهدی سوالونی

از اعضای سازمان درمشهد بود که پس از دستگیری، دژخیمان ساواک هردوپای اورا بریدند وسپس اورا به شهادت رساندند.

در بیست ودوم اسفندماه ۵۰ نه تن دیگر از رزمندگان فدائی به صف شهیدان افتخار آفرین سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیوستند.

یادشان جاوید باد:

★ فدائی شهید رفیق علیرضا نابدل

متولد تبریز - نویسنده کتاب های "آذربایجان ومسئله ملی" "اپشیق" و "تولگی کتابی" به زبان ترکی - چندنوشته وشعر...

★ فدائی شهید رفیق یمین امین نیا

متولد روستای "بزرگ آباد" ارومیه دانشجوی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز.

★ فدائی شهید رفیق جعفر اردبیلچی

متولد ۱۳۳۲ در تبریز - کارگر آهنگر.

★ فدائی شهید رفیق علی نقی آرش

متولد ۱۳۲۶ در شهرری - دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران.

★ فدائی شهید رفیق محمدعلی نقی زاده دیرجی

متولد ۱۳۲۶ در قریه دیرچ چراغ گاوکان آذربایجان - معلم سپاهی درهیمه اصفهان.

★ فدائی شهید رفیق حسن سرکاری همراه با هشت رفیق فدائی به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق اصغر عرب هریسی

متولد تبریز - کارگر آهنگر.

★ فدائی شهید رفیق عبدالمناف فلکی بتریزی

متولد ۱۳۲۵ در محله حکم آباد تبریز - دانشجوی رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران - نویسنده وشاعر.

★ فدائی شهید رفیق اکبر مرید

متولد فروردین ۱۳۲۵ در تهران فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز

اسفند ۵۲

★ فدائی شهید رفیق مجتبی خرم آبادی.

در تاریخ دوازدهم اسفندماه ۵۲ در درگیری درخیابان کورش (سابق) میدان شهربانی پس از معدوم نمودن چند مزدور ساواک به شهادت رسید. دو برادر دیگر وی، احمد ومحمود نیز بدست جلادان رژیم شاه به شهادت رسیدند. یادشان گرامی باد.

اسفند ۵۵

در روز هشتم اسفندماه ۵۵ دو چریک فدائی خلق در نبردی حماسه آفرین درخیابان کرمان به شهادت رسیدند. یادشان جاوید باد:

★ فدائی شهید رفیق بهنام امیری دوان

متولد ۱۳۲۹ در آبادان - دیپلمه کارگر کارخانه های کارتن سازی و کفش وبن - برادر دوی رفیق بهزاد نیز در تیرماه همان سال به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق صابیژن زاده

متولد ۱۳۲۷ در مراغه - دانشجوی دانشسرای عالی سپاه دانش "ماما زن".

★ فدائی شهید رفیق عبدالرضا کلانتر نیستانکی

متولد ۱۳۳۳ - دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران - رفیق در ۲۱ مردادماه ۵۵ دستگیر شد و در ۱۸ اسفند همان سال به دست مزدوران رژیم به شهادت رسید.

اسفند ۵۷

در روز ۱۷ اسفندماه

★ فدائی شهید رفیق جلیل حسواری منصب

★ فدائی شهید رفیق علی خلیقی

در راه آرمان سرخ طبقه کارگر به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد.

اسفند ۵۸

★ فدائی شهید رفیق سعید عقیقی

در گرمانشاه توسط مرتجعین ربوده شد و در روز ششم اسفندماه ۵۸ جسد سوخته ای که آثار شکنجه بر آن نمایان بود در نزدیکی دریاچه سراب نیلوفر پیدا شد.

★ فدائی شهید رفیق داود میراحمدی

در تبریز در تظاهراتی که در روز نهم اسفندماه ۵۸ برای اعتراض به ترور وحشیانه رهبران خلق ترکمن برپا شده بود، مورد اصابت گلوله پاسداران قرار گرفت وبه شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق محمد رفیعی

در شهر رشت به شهادت رسید و همچون دیگر شهیدان فدائی جان خویش در راه خلق فداکرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۱۰۰ صفحه ۲۰

بمناسبت سالگرد درگذشت رفیق استالین

۵ مارس مصادف با ۱۴ اسفند روزی است که پرولتاریای جهان یکی از رهبران برجسته خود را که تمام عمر خود را در راه مبارزه بخاطر آرمان کبیر پرولتاریا، در راه پیروزی انقلابات پرولتری و پیروزی سوسیالیسم گذرانده، از دست داد.

رفیق استالین سمبل مبارزه طبقه کارگر، تجسم اراده پولادین و آشتی ناپذیری پرولتاریا بود. او یک انترناسیونالیست کبیر، یک مارکسیست لنینیست پیگیر و یک کمونیست نمونه بود.

رفیق استالین شخصیتی بود که در مبارزه علیه بورژوازی و عوامل آن در جنبش طبقه کارگر هیچگاه کوچکترین گذشتی نکرد. او با پیگیری تمام در راس حزب کمونیستی که لنین پایه‌گذار آن بود، پرولتاریای شوروی را بسمت سوسیالیسم رهبری کرد. در دوران رفیق استالین سوسیالیسم از حد یک کشور فراتر رفت و بصورت یک اردوگاه سوسیالیستی و یک سیستم جهانی درآمد.

قاطعیت، پیگیری و آشتی ناپذیری استالین باعث شد که بورژوازی و عوامل آن در جنبش طبقه کارگر همیشه با کینه و نفرت از استالین یاد کنند و بکوشند چهره وارونه‌ای از این کمونیست کبیر ارائه دهند. پس از مرگ رفیق استالین رویزیونیستهای حقیری چون خروشچف و یاران و پیروان او کوشیدند با انگشت گذاری بر روی پاره‌ای اشتباهات استالین، شخصیت او را لکه‌دار کنند. اما این اشتباهات در مقابل خدمات ارزنده استالین به جنبش کمونیستی آنقدر ناچیز است که نمی‌تواند ذره‌ای در خدمات و شخصیت او تردید بوجود آورد.

بکوشیم به پیروی از استالین کبیر آشتی ناپذیر و سرسخت در راه آرمان پرولتاریا، علیه دشمنان طبقاتی و انحراف از مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی مبارزه کنیم و با این مبارزه احترام خود را به این کمونیست کبیر نشان دهیم و یاد او را همچنان پاس داریم.

گرامی باد خاطرهٔ فدائی شهید رفیق کبیر مسعود احمدزاده

در صبحگاه ۱۱ اسفند ۱۳۵۰ رفیق کبیر مسعود احمدزاده یکی از بنیانگذاران و تئوریسین های برجسته سازمان، بهمراه پنج رفیق فدائی دیگر بدست دژخیمان رژیم شاه اعدام شدند.

رفیق مسعود احمدزاده سمبل مبارزه و مقاومت، یکی از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پایه‌گذاران سنت مبارزه قهرآمیز در جنبش نوین کمونیستی ایران و مبارزه با اپورتونیسم راست بود. قدرت و خلاقیت رفیق در جمع‌بندی نظرات کم نظیر بود، بجرات میتوان ادعا کرد که علیرغم اشتباهاتی که رفیق در اثر خود "مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک" بویژه درباره موقعیت انقلابی مرتکب شد، جنبش کمونیستی ایران کمتر کسانی را بخود دیده است که همانند رفیق اینهمه خلاقیت، نبوغ و قدرت تحلیل از خود نشان داده باشند. بویژه امروز در شرایطی که جنبش از فقر تئوریک و فقدان تئوریسینهائی که دارای خلاقیت و توانائی جمع‌بندی تجربیات باشند، رنج می‌برد، کمبود رفقائی چون مسعود احمدزاده و بیژن جزنی بشدت احساس میشود. اما رفیق مسعود احمدزاده در راه آرمان طبقه کارگر در راه [illegible] ضرورت تاریخی در جامعه ما مبارزه کرد و بشهادت رسید. یاد رفیق برای همیشه در جنبش نوین کمونیستی ایران زنده خواهد ماند.

یاد رفیق شهید ابوالقاسم همتی گرامی باد

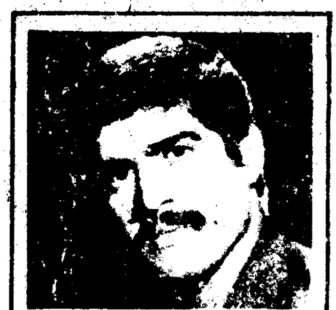

در تاریخ هفت بهمن، چهارشنبه شب یکی از رفقای هوادار سازمان، رفیق ابوالقاسم همتی در حین انجام وظائف سازمانی بطرز مشکوکی تصادف کرد و به بیمارستان منتقل شد و بعد از چند روز که در حالت اغماء و بیهوشی بسر می‌برد در ساعت ۶ صبح سیزده بهمن ۵۹ خلق را بدرود گفت و به جمع شهدا پیوست.

رفیق فدائی ابوالقاسم همتی در سال ۱۳۳۴ در محله کهپور سمنان در خانواده‌ای زحمتکش متولد شد. در سال ۵۳ در رشته تاسیسات حرارتی در مدرسه عالی تکنولوژی سمنان پذیرفته شد. او در همین سال فعالانه در اعتصابات این مدرسه عالی شرکت کرد. همزمان با اوجگیری جنبش توده‌ای رفیق با تنی چند از رفقای خود در مسجد سلیمان دستگیر شد، پس از آزادی از زندان از خدمت اجباری فرار کرد و تمام وقت خود را بمبارزه علیه رژیم شاه اختصاص داد. پس از قیام فعالانه در جهت آگاه کردن زحمتکشان سمنان کوشید. کتاب و نشریه از تهران به سمنان میبرد و مواضع سازمان را تبلیغ میکرد. و نمایشگاه عکس شهدا و جنایات ساواک را برپا کرد. پس از انشعاب اکثریتی ها از مواضع انقلابی سازمان دفاع کرد و علیه اپورتونیستها مبارزه نمود. او ضمن رهنمودهای خود به هواداران سمنان نوشت "فدائی زنده است، فدائی سازشکار نیست، فدائی به طبقه کارگر و توده‌ها پشت نمی‌کند، فدائی به راه سرخش ادامه میدهد و سازشکاران و خیانت پیشگان را جائی در میان توده ها نیست". رفیق همتی فرزند راستین زحمتکشان بود و در راه زحمتکشان مبارزه کرد و بشهادت رسید. یاد رفیق فدائی ابوالقاسم همتی مانند تمام کسانی که در راه طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش مبارزه کردند و بشهادت رسیدند جاودان خواهد ماند.

گرامی باد خاطره مبارزات ضد امپریالیستی دکتر محمد مصدق

۱۴ اسفند مصادف است با چهاردهمین سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق. مصدق رهبر جنبش ملی کردن صنعت نفت بین سالهای ۲۹ تا ۳۲ بود. او که پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد بازداشت و به سه سال زندان محکوم شد، پس از طی دوره محکومیت به اقامت در احمدآباد مجبور گردید و تا پایان عمر (۱۴ اسفند ۱۳۴۴) در قلعه احمدآباد بحالت تبعید بسر برد.

شرح زندگی سیاسی مصدق و تحلیل دوران ملی شدن نفت، که از دوره‌های درخشان و افتخارآمیز مبارزات مردم ایران است در جای خود ضروری است. در اینجا ما برای آگاهی نسل جوانی که از [illegible] به این دوره تاریخی می‌نگرد، مهمترین جنبه‌های مثبت و منفی حرکت مصدق در رابطه با مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران در سالهای ۲۹ تا ۳۲ نظری می‌افکنیم.

دکتر مصدق با بردن مسئله نفت به میان توده‌ها مفهوم استقلال را بمردم شناساند و درک اجتماعی ـ انقلابی مردم را از امپریالیزم تا اندازه‌ای ارتقاء داد. و از آنجا که در آن موقع امپریالیزم انگلیس، امپریالیزم حاکم بر خاورمیانه بود به جنبش های ضد امپریالیستی در این منطقه کمک کرد و در عین حال جنبش رهائی بخش ملی ایران را به جهانیان شناساند.

مصدق در مبارزه ضد امپریالیستی لبه تیز حمله را بدرستی متوجه انگلستان که در آن موقع امپریالیسم مسلط در ایران و خاورمیانه بود گرفت. استفاده مصدق از تضادهای امپریالیستی در آن دوره بجا بود. لکن در این مورد روش او خالی از انتقاد نیست. بخصوص مماشات او با امپریالیسم آمریکا که رو به قدرت بود، قابل انتقاد شدید است. اصرار مصدق در فروش نفت به انحصارات انگلیسی و آمریکائی و انتظار مصدق از دولت آمریکا که از پشتیبانی انگلستان دست بردارد، مصداق این امر است. مصدق در نامه‌هائی که به آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا نوشت روش مماشات خود را نشان داد.

مصدق روحیه توده‌های خرده بورژوازی را که پایه جنبش ملی شدن نفت بودند بخوبی می شناخت و تاکتیکهای خود را با توجه به آن انتخاب میکرد.

مصدق در هدف خود در حد یک نماینده بورژوازی ملی پیگیر بود. گرچه از ابتکار انقلابی هراس داشت اما ولی به مردم ایمان داشت. مجلس را برای بیان نظراتش مناسب ندید به میان مردم آمد و گفت: "مجلس آنجاست که مردم آنجا باشند" و هنگامی که مجلس را مرکز توطئه دید آنرا با اتکاء به نیروی مردم منحل کرد. او این ایمان به مردم را تا همان حد که از او میتوان انتظار داشت تا آخر زندگیش حفظ کرد.

مصدق بدلیل ماهیت طبقاتیش، قاطع و پیگیر نبود و علیرغم توطئه‌گریهای دربار و دوروئی آن شاه خائن، سرانجام در مقابل آنها و سایر نیروهای ضد خلقی نظیر آیت الله کاشانی و فلسفی به آنها کم بها داد و بیشتر به جنبه‌های قانونی مسائل توجه میکرد. او در زمینه مبارزه با فئودالها تنها به تصویب قانون کسر ۲۰ درصد بهره مالکانه بنفع دهقانان و شوراهای ده اکتفا کرد. عدم برخورد رادیکال به مسئله ارضی موجب شد که از یکطرف فئودالها قدرت توطئه‌گرانه خود را علیه جنبش حفظ کنند و از طرف دیگر نیروی عظیم دهقانان به میدان مبارزه کشیده نشود.

مصدق بنا به ماهیت طبقاتیش به نقش ارتش و ارگانهای سرکوب کم بها داد. او

بقیه در صفحه ۱۸

توطئه طرفداران فرانکو در اسپانیا

خبر مربوط به کودتای نافرجام طرفداران فرانکو در اسپانیا، یکی از مهمترین رویدادهای هفته گذشته بود. اسپانیا که از نظر اقتصادی نسبت به دیگر کشورهای اروپائی در وضعیت متزلزلتری قرار دارد، از نظر سیاسی نیز با یک بحران روبروست. اما این بحران هنوز چندان عمیق نیست. مبارزات طبقه کارگر و جنبش توده‌ای علیرغم نقش مخرب و سازشکارانه حزب با اصطلاح کمونیست همچنان رو به اعتلاست، جناح های بورژوازی حاکم هیچیک تاکنون نتوانسته‌اند بحران موجود را مهار کنند. در چنین شرایطی است که ارتجاعی ترین نیروهای وابسته به سرمایه‌های بزرگ یعنی فاشیستهای فرانکیست که از حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا نیز برخوردارند، و وسیعاً در دستگاه بوروکراتیک نظامی ساخته و پرداخته فرانکو نفوذ دارند، تلاش میکنند که با یک کودتای نظامی زمام امور را در دست گیرند، جنبش رو به اعتلای توده‌ای را در اسپانیا سرکوب کنند و بر بحران سیاسی موجود فائق آیند. کودتای نافرجام اسپانیا از یکسو نشان داد که امپریالیسم با تشدید بحران جهانی موجود و اعتلاء جنبشهای کارگری بیش از پیش به میلیتاریسم و فاشیسم روی می‌آورد و از سوی دیگر یکبار دیگر در اسپانیا نیز باثبات رسید که هنگامی که بورژوازی نتواند از طریق با اصطلاح شیوه‌های فریب و تحمیق بر بحرانهای موجود فائق آید، حتی دولتهای بورژوائی توسط یک دار و دسته نظامی یا نمایندگان بخش های دیگر بورژوازی سرنگون خواهند شد. دولت اسپانیا که نماینده بورژوازی است، نتوانسته است بر بحران سیاسی موجود فائق آید، بهمین علت با یک کودتای نظامی روبرو میشود. اسپانیا نیز همانند ترکیه یک بار دیگر به کسانی که فکر میکنند امپریالیسم هیچگاه دولتهای بورژوازی را سرنگون نمیکند و علیه آنها به کودتای نظامی متوسل نمیشود یک فاکت دیگر است.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر